

## مجمع عمومی سازمان ملل مجدداً رژیم خمینی را محکوم کرد

و رژیم آپارتاید قرار گرفت. چه جایگاه شایسته ای برای موجوداتی که سرنوشتی جز پیوستن به زباله دان تاریخ نخواهند داشت!

داغ تنگ ابدی، این است پاسخ بشریت بر جنایات بی‌شمار رژیم ولایت فقیه. حکومت آخوندها، هر روز که می‌گذرد، بیشتر رسوا می‌شود. گزارش سال ۱۹۸۷ عقوبین الملل و گزارش نماینده ویژه سازمان ملل که اخیراً انتشار یافته‌اند، بار دیگر جمهوری اسلامی را محکوم کرده‌اند. با افشای بازهم بیشتر جنایات رژیم، بر انزوا و رسوایی جمهوری اسلامی بیافزاییم!

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، فراگیرترین گردهمایی نمایندگان کشورهای جهان، بار دیگر رژیم خونخوار خمینی را به دلیل جنایات بی‌شمار و نقض ابتدایی‌ترین حقوق بشر، محکوم کرد. مجمع عمومی، نسبت به وضعیت حقوق بشر در ایران ابراز نگرانی عمیق کرد. در قطعنامه مجمع عمومی، به گزارشها درباره شکنجه و بیابال شدن حقوق اولیه انسانها در جمهوری اسلامی اشاره شده است.

نام رژیم خمینی، بار دیگر در کنار سایر رژیم‌های خونریز و رسوایی جهان، مانند رژیم پینوشه



دوشنبه ۲۲ آذر ۱۳۶۶ برابر ۱۴ دسامبر ۱۹۸۷  
بها. ۸۰ ربال - سال چهارم - شماره ۱۸۷

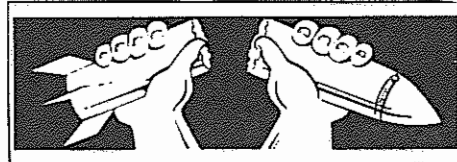
### معامله بر سر حق پناهندگی:

## «تجارت انسان»

فرانسه خود را «سرزمین پناهندگان» می‌نامد و نیز «مهد دمکراسی» و در جایی که دمکراسی بورژوازی بخواهد بر روی دیکتاتوری سرمایه، برده سانس بکشد، به خود دهمها مدال و عنوان این چنین می‌دهد. اما فرانسه قبل از هر چیز، یک کشور امپریالیستی است و هر گاه منفعت بورژوازی امپریالیستی ایجاد کند آن مدالها را از سینه بازمی‌کنند و چرتکه‌ای را به جای آن می‌آویزد. این خصلت، تنها از آن بورژوازی فرانسه و دستگاه دولتی آن نیست. فرانسه نیز نمونه‌ای برای اثبات قاعده است.

دولت فرانسه برای تامین منفعت طبقه حاکم این کشور در میهن ما تاکنون به انواع و اقسام بندبازی‌ها، معامله‌گری‌ها و جتی ریسک‌ها متوسل شده است. فرانسه به خمینی پناه داد، بدان امید که فردای انقلاب جای پای مسمکی در ایران داشته باشد. اما فرانسه نمی‌خواست بازار اسلحه‌ها را نیز از دست بدهد. این بازار، بازار نقدی بود. روابط با خمینی به تدریج تیره شد و فرانسه کوشید بازی را تکرار کند. اما بازی دوم نیز بردی از بی‌نیامورد. کوشش شد جلوی زرنک بازی‌هایی که با ریسک نوانند گرفته شود. مناسبات با جمهوری اسلامی بهبود یافت و رهبری مجاهدین خلق از فرانسه رانده شد. اما همچنان توازن در مناسبات با عراق و جمهوری اسلامی برقرار نماند. دولت فرانسه باز سود و زبانهای مختلف را در کفه ترازو نهاد. اوضاع به نفع مناسبات با رژیم فقها پیش نرفت. روند تازه در مناسبات آمریکا و

بقیه در صفحه ۲

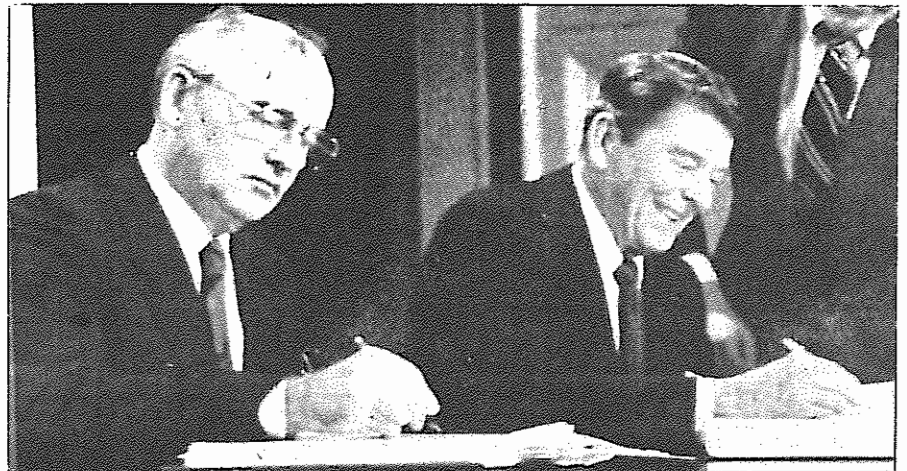


## نخستین گام به سوی خلع سلاح هسته‌ای

\* دیدار میخائیل گارباچف از واشنگتن پایان یافت

\* طرفین، اجلاس سران در واشنگتن را موفقیت آمیز خواندند

\* با امضای قرارداد برچیدن موشکهای میان برد، برای نخستین بار در تاریخ، نوع معینی از تسلیحات از میان برداشته می‌شود



لحظه‌ای تاریخی: میخائیل گارباچف و رونالد ریگان قرارداد برچیدن موشکهای دارای برد ۵۰۰ تا ۵۵۰ کیلومتر را امضا می‌کنند.

در صفحه ۶

### معامله‌گری:

## دیروز و حید گرجی را تروریست می‌دانستند، امروز پناهندگان را

اقدامات اخیر دولت فرانسه یاد می‌کنند. روزنامه ایندیپندنت به یک معامله تسلیحاتی بین فرانسه و جمهوری اسلامی اشاره کرد. مارتگارت تاچر، نخست‌وزیر انگلیس نیز از دولت فرانسه به خاطر تحویل وحید گرجی تروریست به جمهوری اسلامی انتقاد کرده است. دور اخیر تیرگی روابط انگلستان با جمهوری اسلامی با تیرگی روابط پاریس و تهران هم‌زمان بود. اکنون انگلستان از آن بیم دارد که فرانسه به دنبال بهبود روابطش با جمهوری اسلامی، پس از آلمان فدرال و ژاپن قرار گیرد و سهمی برای انگلستان باقی نماند.

معامله‌گری دولت شیراک با جمهوری اسلامی

بقیه در صفحه ۲

یورش پلیس فرانسه به پناهندگان ایرانی در این کشور، نشان داد که معامله با جمهوری اسلامی تنها محدود به معاوضه وحید گرجی با ژان پل توری، کاردار سفارت فرانسه در تهران نمی‌شود. (تفضیل ماجرا در «اکتریت» هفته گذشته) دولت فرانسه در این معامله آنچنان سودی می‌بیند که به آزادی وحید گرجی و بازپرداخت بخش دیگری از طلب ایران از انحصار «اورودیف» (۲۲۰ میلیون دلار) بسنده نکرد و برای خوش‌آمد جمهوری اسلامی عده‌ای از پناهندگان ایرانی وابسته به سازمان مجاهدین خلق را را دستگیر و متعاقب آن ۱۴ نفر از آنان را همراه با پناهنده ترک از فرانسه اخراج کرد.

روزنامه‌های انگلیس با لحن خشمگینانه‌ای از

### ماجرای

## «وصیتنامه سیاسی الهی»، خمینی

روز پنجشنبه ۱۹ آذرماه، خمینی صه دست اندرکاران و مسئولین تراز نخست مملکتی را به بارگاه خود فراخواند تا مقدمات «فنی» جایگزین کردن نسخه تجدید نظر شده «وصیتنامه سیاسی الهی» را بجای نسخه قبلی آن تدارک ببینند. مسئولین و دست اندرکاران فراخوانده شده، بنا به خبر رسمی رادیوی دولتی و بنا به تقدم و تاخر رسا اعلام شده عبارت بودند از: منتظری، مشکینی، مهدوی کنی، صافی دبیر شورای نگهبان، سیدعلی خامنه‌ای رئیس جمهور، هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، موسوی اردبیلی ریاست دیوانعالی کشور، موسوی خوئینی‌ها دادستان کل کشور، میرحسین موسوی نخست‌وزیر، کروبی نماینده و سرپرست بنیاد شهید،

بقیه در صفحه ۲

## ماجرای "وصیتنامه سیاسی الهی" خمینی

بقیه از صفحه اول

سید احمد خمینی چندتن از اعضای دفتر امام نیز در جلسه حضور داشتند.

اهمیت موضوع نه در صرف نوشتن وصیتنامه، که در تجدید نظر در وصیتنامه نخست بود که پنجسال پیش از سوی خمینی "سربسته" تحویل مسئولین شده بود. پنجسال پیش خمینی اولین "وصیتنامه سیاسی و الهی" خود را در دو نسخه مهروموم شده در اختیار دست اندرکاران نهاده بود که یک نسخه آن در صندوق ویژه آستان قدس رضوی "نگهبانی" می شد و نسخه دیگر که به لحاظ حقوقی در اختیار مجلس خبرگان بود، بنا به "دلایل فنی" در صندوق مجلس شورای اسلامی به امانت نگهداری می گشت.

موضوع اینکه از این قرار بود که وصیتنامه سیاسی الهی نخست از درجه "اعتبار" ساقط شده بود و می بایست توسط "معتدین مملکتی" بازگردانیده می شد و نسخه تجدید نظر شده که توسط خمینی با عنوان "وصیتنامه سیاسی الهی" نامیده شد، توسط معتدین به جای وصیتنامه "ساقط اعتبار" در صندوقهای پیش بینی شده، نگهداری که نه، نگهبانی شود و درست در همین راستا بود که فراخوان صادر شد و مسئولین تراز نخست مملکت در بارگاه، به حضور خمینی رسیدند.

موضوع بنا به دودلیل و در واقع در دو عرصه مورد توجه بود: نخست از زاویه توجیه تجدید نظر در وصیتنامه نخست و دوم سمت و سوی تجدید نظر، و اینکه تجدید نظر صورت گرفته در جنگ تمام عیار قدرت درون حکومتی کفه ترازو را به سود کوبه زیان که تغییر خواهد داد.

در ساختار حکومتی جمهوری اسلامی و در شرایط وجود یک جنگ تمام عیار قدرت هیچ فردی از وابستگان بارگاه خمینی در نظر حریف قابل اعتماد نمی نماید، بدین قرار توافق بر سر ترکیبی از معتدین مملکتی بود که فاصله جماران تا مشهد و یا مجلس را بدون خیانت در امانت، طی کنند مبادا راز وصیتنامه و مضمون تجدید نظر بطور پیش رس فاش شود.

خمینی در جمع روز پنجشنبه مسئولین مملکتی که از "صدای جمهوری اسلامی" پخش شد، تجدید نظر در وصیتنامه سیاسی الهی نخست را معلول "ضرورتهای زمان" معرفی کرد ولی از توضیح پیرامون این ضرورتهاى زمان و مضمون "تجدید نظر" سرباز

مشکینی پس از انجام وظیفه خطیر محوله طی سخنانی که از رادیوی دولتی پخش شد اظهار امیدواری کرد که عمر "امام" دوام یافته و بازهم وصیتنامه های خود را تجدید کند و تجدید نظر در وصیتنامه های سیاسی الهی تا "ظهور امام زمان" ادامه یابد! رادیوی جمهوری اسلامی همان روز اعلام کرد که مأموریت حمل و نقل وصیتنامه ها طبق نقشه تعیین شده در فراخوان و همایش دست اندرکاران تراز اول حکومتی با موفقیت به پایان رسیده است و نسخه های باطله وصیتنامه سیاسی الهی هم به سید احمد خمینی تحویل داده شده است. صدای جمهوری اسلامی همچنین اطلاع داد که خمینی و منتظری در همان روز، جلسه خصوصی داشته

و مسائل مهم مملکتی در دستور کار آنها بوده است.

بدین ترتیب بموازات رشد و گسترش جنگ درون حکومتی و "تغییرات جو"، وصیتنامه نخست مورد تجدید نظر قرار گرفت و تا آنجا که مشکینی هم بدان اعتراف داشت و درست بواسطه اینکه دلیلی بر توقف زمان و یابثبات جودربین نیست پایه های تغییرات جوی، احتمال تجدید نظرهای بعدی نیز منتفی نیست. جنگ قدرت در بارگاه قدرت خمینی حتی همین هنگام که خمینی در "قید" حیات است، شعله می کشد. آتش جنگ قدرت، قبل از آنکه فردا، که زمان یا مردم، خمینی را از این "قید" خلاص کنند، از همین اینک به کوره خشم مردم فروزانی می بخشد ●



## خود افساگری دستجات حکومتی

و حال آنها به قرار زیر است:

۱ - مخالفت صریح با دولت حضرت امام (کابینه موسوی) در مجلس و در همه جا ۲ - عدم رای به حرکت مورد تأیید حضرت امام ۳ - لودادن اسرار اقتصادی کشور ۴ - دادن سؤالات خاصی که عتاب صریح حضرت امام را به دنبال داشت ۵ - نوشتن مقالات متعددی در شرایط جنگی جامعه مبنی بر "تقلیل قیمت نفت نویدی بر مرگ دولت سالاری" ۶ - نوشتن مقالات متعدد و بی محتوایی مبنی بر "مقابله با نرخ گزاری و تعزیرات حکومتی از طرف خمینی". غفاری در پایان سخنان خود برای آنکه به حمایت از مهدی هاشمی و جریان وابسته به وی متهم نشود از وزارت اطلاعات بی گیری دقیق پرونده های مهدی هاشمی معدوم و سید احمد کاشانی و قاری مظفر بقایی را درخواست کرد. لازم به ذکر است که بقایی چند هفته پیش در تهران در گذشت ●

هادی غفاری نماینده تهران در مجلس اسلامی، مفتی گذشته طی سخنانی، با دامچیان نماینده جناح "رسالتی"ها در مجلس را از اعضای باندی خواند که وی قبلاً از آن یاد کرده بود. با دامچیان اوایل ماه جاری هنگام سخنرانی ضمن اشاره به اختلافات جناحهای حکومتی در چارچوب نظام اسلامی و وحدت آنها علیه "کمونیسم بین المللی"، از وجود "معدودی نمایندگان قدرت طلب" و "عضو باند های مخفی" در مجلس یاد کرد و اعلام نمود که با این عده باید جدا از درگیریهای درون "خط امام" به شدت تسویه حساب کرد. وی گناه نمایندگان عضو باند های مخفی را "غیر قابل بخشایش" خواند.

هادی غفاری در پاسخ به تهدیدهای با دامچیان، اعلام کرد: اگر قرار باشد در این کشور باندی و اقلیتی پیدا شوند که نیاز به نصیحت داشته باشند، یقیناً کسان و باند هایی هستند که گوشه هایی از عملکرد گذشته

معامله‌گری:

## دیروز و حیدگرچی را تروریست می‌دانستند امروز پناهندگان ایرانی را

بقیه از صفحه اول

انگلیس با جمهوری اسلامی نیز میدان مانور را برای دولت فرانسه تنگ کرد. روابط مجدداً تیره شد. عوامل داخلی نیز ایجاب می‌کرد که شعار نظم شیراک با شعار مبارزه با تروریسم ترکیب گردد. این ترکیب، باز به نفع تیرگی مناسبات با جمهوری اسلامی عمل می‌کرد. اما تیرگی تا کجا؟ بورژوازی فرانسه باز حسابگری را از سر گرفت: دست کم باید از انگلیس جلو زد. مگر سود فروش اسلحه به عراق چقدر است؟ به علاوه فکر فردای جنگ را نیز باید کرد! روابط پنهانی با جمهوری اسلامی از سر گرفته شد. مانع "جنگ سفارتخانه‌ها" از طریق معامله گروگان با گروگان بر طرف گردید و همه چیز برای عادی سازی مناسبات با رژیم فقها فراهم شد. در اینجا می‌بایست مجدداً حسن نیت فرانسه نسبت به جمهوری اسلامی از طریق یک "سناریوی ارزان" به نمایش گذاشته شود. بیورش به حق پناهندگی! بدین گونه فقها به اخلاص دولت فرانسه بی‌خواهند برد.

در هفته گذشته به پناهندگان ایرانی و نیز ترک حمله بردند. چند ده تن از پناهندگان ایرانی که وابسته به سازمان مجاهدین خلق بودند دستگیر شدند و ۱۲ تن از آن‌ها از فرانسه اخراج گردیدند. در اینجا دیگر نام بردن از فرانسه با عنوان "سرزمین پناهندگان" صرفه‌ای نداشت. صرفه،

لگدمال کردن حق پناهندگی بود. چه تجارت و قبیحانه‌ای! اخراج پناهنده برای معامله تسلیحاتی، برای بهبود مناسبات با رژیم خونی آشام، تروریست و تروریست پرور! شعار مبارزه با تروریسم نیز به دست فراموشی سپرده شد. تا دیروزی می‌گفتند وحیدگرچی تروریست، مخل امنیت فرانسه بوده است و امروز آمدند و گفتند سو' تفاهمی رخ داده است، این نه وحیدگرچی و امثال او بلکه پناهندگان ایرانی هستند که در نظم جامعه فرانسه اختلال ایجاد کرده‌اند! از این معامله‌گری‌ها با زهم خواهند کرد چنانکه پیش از این نیز کردند.

نباید اجازه داد تجارت با انسانها صورت پذیرد. نباید اجازه داد حق پناهندگی مورد معامله قرار گیرد. باید با تمام قوا اقدام اخیر دولت فرانسه را افشا کرد. مساله تنها به فرانسه محدود نمی‌شود. اعمال فشار بر پناهندگان ایرانی، محدود کردن حق پناهندگی در همه کشورهای امپریالیستی همه و همه از طریق معامله‌گری دولتهای امپریالیستی قابل توضیح است. رژیم متحدهانه سازمانهای سیاسی و پناهندگان ایرانی قادر است این معامله‌گری‌ها را افشا کند و افکار عمومی جهانیان را مخاطب قرار دهد تا جلوی تجارت با انسانها گرفته شود. یک آن نیز نباید در انجام این وظیفه، درنگ کرد.

## معامله بر سر حق پناهندگی:

### «تجارت انسان»

بقیه از صفحه اول

را به این پناهندگان نسبت داد. دولت شیراک در اوج به دست آوردن دل رژیم خمینی به دولت عراق وعده فروش تعداد دیگری از هواپیماهای جنگی را داد. شیراک به صدام نامه نوشت و به وی توضیح داد که بهبود رابطه فرانسه با جمهوری اسلامی در روابط این کشور با عراق اختلالی ایجاد نخواهد کرد. فرانسه با این سیاست بر آن سراسر است که هم از قبل فروش اسلحه به خمینی و هم از قبل فروش اسلحه به صدام حسین، سودستاری را نصیب انحصارات اسلحه سازی فرانسوی سازد و در هر دو کشور جای پای مستحکم به دست آورد.

در خود این کشور نیز موجی از انتقاد به دنبال آورد. سازمانهای طرفدار حقوق بشر یورش پلیس فرانسه به پناهندگان ایرانی را مورد انتقاد قرار دادند و کمیسیاریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد خواستار توضیح دولت فرانسه در این زمینه شد. دولت فرانسه که پیش از این از وحیدگرچی به عنوان تروریست و مخل امنیت ملی فرانسه نام برده بود، به دنبال تحویل این تروریست به رژیم خمینی، پناهندگان ایرانی دستگیر شده را مخل امنیت فرانسه دانست و حتی وزیر کشور فرانسه تا جایی پیش رفت که عنوان شایسته وحیدگرچی و دیگر عوامل رژیم

### بازجویی از یک تروریست



مقدم پروازتان بپورت است یا تهران؟  
- اسباب و اثاثیه - آورده‌اید یا نه؟  
- سند لغات در هواپیما کنار پنجره،  
بلایه یا در دردی رسا؟  
- می‌خواهید در دست سیکاری ما باشید  
یا غیر سیکاری ما؟

اروپا، در آستانه ترک فرانسه بالاخره سری هم به دادگستری این کشور زد تا سناریوی طبق "مقررات" پیش برده شود. کاریکاتوریست روزنامه لوموند، چاپ پاریس بازجویی از وحیدگرچی را به گونه‌ای بالاتوصیف کرده است

"جنگ سفارتخانه‌ها" بین تهران و پاریس آن هنگام آغاز شد که یک قاضی تحقیق فرانسوی وحیدگرچی کارمند سفارت خانه خمینی در فرانسه را برای یک بازجویی به دادگستری این کشور فراخواند. وحیدگرچی، از مسئولین شیشه تروریستی خمینی در

## اطلاعیه فدائیان خلق در فرانسه

خوشایند آن رژیم‌های جنایتکار نیست و آنها را به تهدید و تطمیع کشورهای میزبان پناهندگان وامی‌دارد. همه کشورهایی که به نام انسانیت و حقوق بشر معاهده ژنو را امضا کرده‌اند یکبار برای همیشه پذیرفته‌اند که علیرغم هر گونه فشار و شانتاژ این حق ابتدایی انسان قرن بیستم را برسمیت بشناسند و آنرا تابع مصالح دوریا نزدیک این یا آن حکومت قرار ندهند به عبارت دیگر پناهندگان گروگان‌های دولت میزبان نیستند تا هرگاه که لازم شد مورد معامله این دولت‌ها قرار گیرند...

ما ضمن محکوم کردن اخراج ۱۴ نفر از مجاهدین خلق ایران و چند نفر از پناهندگان ترک و تهدیدی که علیه سایر پناهندگان و مهاجرین سیاسی بوجود آمده است از همه ایرانیان مترقی و نیروهای سیاسی ایرانی، بویژه از همه پناهندگان و نیز مردم مترقی فرانسه دعوت می‌کنیم که با اعتراض یکپارچه و هماهنگ خود علیه این معامله غیر انسانی و اجحافات مشابهی که در دستور کار فرادست اقدام کنند.

فدائیان خلق ایران (اکثريت) - فرانسه

۹ دسامبر ۱۹۸۷

به دنبال دستگیری و اخراج جمعی از مجاهدین خلق و تعدادی از پناهندگان ترک اطلاعیه‌ای از سوی فدائیان خلق (اکثريت) - فرانسه صادر شد که بخشی از آن به قرار زیر است:

خبر دستگیری تعدادی از هم میهنان پناهنده ما در فرانسه و اخراج عده‌ای از آنها به پهنه‌های واهی، همه ایرانیان و افکار مترقی فرانسه را در برابر این سؤال نگران کننده قرار داد که آیا حق پناهندگی می‌رود تا قربانی مصالح خاص حکومت فرانسه گردد؟... دیروز عوامفریبان گفتند که فعالیت سیاسی پناهندگان ایرانی بر علیه مصالح ملی فرانسه ما را به اینکار وامی‌دارد. این دروغ است و باید آنرا افشا کرد و یکصد او هماهنگ نشان داد که مخالفت پناهندگان با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی صرفاً با مصالح آزمندانه سرمایه داری فرانسه میانیت دارد و نه با مصالح ملی مردم فرانسه.

پذیرش پناهندگانی که قطعاً مخالف سیاسی دیکتاتوری کشورهای خود هستند

## ۱۰ هزار نفر از معلمان کشور

## باید به سپاه پاسداران منتقل شوند

بیش از ۱۰ هزار نفر از کارکنان وزارت آموزش و پرورش جهت رفع نیازهای نیروی انسانی سپاه پاسداران به عنوان مأموریت به این واحد انتقال می‌یابند.

مرتضی کتیرایی معاون امور جنگ وزارت آموزش و پرورش با اعلام خبر فوق به خبرنگاران مطبوعات دولتی، جزئیات مأموریت فرهنگیان در سپاه را تشریح کرد. بنا به توضیحات کتیرایی، این عده به عنوان مربی آموزش نظامی در پادگانهای نظامی فنون رزمی را فرا می‌گیرند و در مراکز بسیج پاسداران مشغول به انجام وظیفه می‌شوند.

معاون امور جنگ وزارت آموزش و پرورش در ادامه اظهارات خود توضیح داد که برای تامین ۱۰ هزار فرهنگی مورد تقاضای سپاه، دستورالعملی تهیه شده و به ادارات تابعه در استانهای کشور ارسال گردیده است. طبق این دستورالعمل اداره کل آموزش و پرورش استان باید سهمیه خود را انتخاب و به مراکز اعلام شده اعزام کند و چنانچه از این طریق پرسنل مورد نیاز تامین نشود، بقیه از میان فارغ التحصیلان مراکز تربیت معلم تامین شود. کتیرایی به روسای ادارات کل آموزش و پرورش توصیه کرد که به جای معلمان اعزامی خود به سپاه از افراد حق‌التدریسی برای آموزش در مدارس استفاده کنند. وی توضیح نداد که وزارت آموزش و پرورش کمبود ۷۰ هزار نفری سابق را چگونه باید بر طرف کند.

شاهد نشان می‌دهد رژیم قبل از آنکه به تبدیل این معلمان به مربیان آموزش نظامی بپایانید، اعزام خود آنها به جبهه‌ها را در نظر دارد.

## پژ تبلیغاتی تازه جمهوری اسلامی در فبال جنگ

پایان دادن به جنگ ادامه دارد. در آغاز هفته گذشته طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق به نیویورک سفر کرد تا با خاورپرز دو کوئینار دبیر کل سازمان ملل متحد دیدار و مذاکره کند. خاورپرز دو کوئینار در هفته گذشته مذاکرات خود با دو رژیم ایران و عراق را پایان یافته اعلام کرد و گفت اکنون اتخاذ تصمیم نهایی بر عهده شورای امنیت است. وی در این مورد که مذاکراتش با نمایندگان جمهوری اسلامی و عراق چه نتایجی داشته است، توضیح نداد.

در حالیکه جمهوری اسلامی در ابتدا با لحنی منفی از قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت یاد کرده بود، در حالیکه رژیم با بسیج جنگی تازه خود همچنان بر طبل جنگ می‌کوبد و در حالیکه خامنه‌ای در آغاز هفته گذشته گفت رژیم در تلاش‌های سازمان ملل، شانس بسیار کمی برای برقراری صلح می‌بیند، توسل به یک پژ تبلیغاتی تازه در مجامع بین‌المللی از سوی رژیم، آشکارا جلب نظر می‌کند. لاریجانی فرستاده جمهوری اسلامی به نیویورک برای مذاکره با دبیر کل سازمان ملل، اخیرا اعلام کرده است: "ایران طرح دبیرکل به منظور اجرائ قطعنامه ۵۹۸ را قبول کرده و در جهت دستیابی به این روند عمل می‌کند." مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری جمهوری اسلامی که در کیهان ۱۵ آذر درج شده است بر این پژ تبلیغاتی استوار است که این نه جمهوری اسلامی، بلکه عراق است که در راه اجرائ قطعنامه ۵۹۸ سنگ اندازی میکند. گرفتن این پژ تبلیغاتی تازه حاکی از درماندگی رژیم است. رژیم اکنون می‌خواهد هم با آژ جنگ و هم صلح بازی کند، تا میدان مانور را بر خود بیند. اما روندی که از آغاز تابستان امسال آغاز شده است در آستانه بروز دادن نتایج خود است و از همین روعرصه برای بازی تبلیغاتی تازه رژیم، عرصه تنگ و محدودی است.

در هفته گذشته ضمن تدویم تبلیغات جنگی رژیم حول "بسیج جانی و مالی" درگیری‌های پراکنده در جبهه‌ها و نیز در عرصه دریا ادامه داشت. رژیم مدعی شد دو جنگنده عراقی را سرنگون کرده است و جلوی تمرکز فرای عراق را در برخی نواحی جبهه گرفته است. رژیم همچنین به دونفت‌کش دانمارکی و سنکاپوری حمله برد. نفت‌کش سنکاپوری آتش گرفت و در جریان حمله به نفت‌کش دیگری یک ملوان دانمارکی کشته شد.

رویدادهای سیاسی هفته گذشته حول مسئله جنگ، حایز اهمیت بودند. گرومیکو صدراعظم شورای عالی اتحاد شوروی در ملاقات با سفیر جمهوری اسلامی در مسکو تاکید کرد که تهران باید یک راه حل سیاسی برای پایان دادن به جنگ را بیابد، در غیر این صورت در شورای امنیت مسئله مجازات جمهوری اسلامی به صورت تحریم تسلیحاتی مطرح خواهد شد. لیبی نیز بار دیگر خواهان پایان یافتن جنگ ایران و عراق شد. عبدالعلی العبدیدی یک دیپلمات لیبیایی در مصاحبه با روزنامه الاتحاد چاپ ابوظبی گفت: "اکنون زمان، زمان خاموش کردن آتش جنگ است نه جستجو برای یافتن برافروزنده این آتش." به نوشته روزنامه مذکور، لیبی که در ماه سپتامبر گذشته روابط دیپلماتیک خود را با عراق از سر گرفت، می‌کوشد بین دو رژیم خمینی و صدام حسین میانجی‌گری کند.

در هفته گذشته ملک حسین پادشاه اردن به عربستان سعودی سفر کرد. پیش از این او به عراق و مصر سفر کرده بود. یکی از هدفهای مذاکرات بین کشورهای مختلف عربی، تلاش برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق و مقابله جویی با جنگ طلبی رژیم خمینی است.

تلاش‌های سازمان ملل متحد نیز برای

## امضای قرارداد اقتصادی

## بین ایران و آلمان فدرال

"گریمارد اشتولتن برگ" وزیر دارایی دولت راست‌رای آلمان فدرال به منظور امضای یادداشت تفاهم اقتصادی آلمان فدرال با ایران، به زودی به تهران سفر خواهد کرد.

مفاد یادداشت تفاهم هفته گذشته در جریان دیدار هیات اعزامی آلمان فدرال به ایران مورد توافق قرار گرفته است. این هیات به دعوت ایرانی وزیر امور اقتصادی و دارایی جمهوری اسلامی به تهران سفر کرده بود.

به گزارش روابط عمومی وزارت امور اقتصادی جمهوری اسلامی، برای تهیه یادداشت اقتصادی مذکور کمیته شش‌گانه‌ای در زمینه‌های بازرگانی و نفت، صنعت و معدن، اقتصاد و امور مالی، تشکیل گردید.

علاوه بر اشتولتن برگ، کنش وزیر امور خارجه این کشور نیز در سال میلادی آینده برای ملاقات با سران جمهوری اسلامی راهی تهران خواهد شد.

## انتشار آمار مربوط به شرکت‌های صنعتی کشاورزی و خدماتی

احداث شده در سال ۶۵ را تشکیل می‌دهد.

ارزیابی نسبت سرمایه‌گذاری در بخشهای مختلف و قیمت و انحلال شرکت‌ها روند فزاینده رکود ایجاد واحدهای صنعتی و تولیدی را نشان می‌دهد. طبق آمار بانک مرکزی، در سال ۶۵، میزان سرمایه در بخشهای خدمات، بازرگانی، بیمه ودلالی و موسسات اعتباری به میزان ۶۸۹/۸ درصد افزایش یافته است. در سال ۶۴ نیز رشد سرمایه در بخشهای یاد شده بوده و رقم ۹۰۹/۱ درصد را در برداشته است. کل سرمایه‌ای که در سال ۶۵ توسط این بخشها به جریان افتاده، ۲۱۵۱۸ میلیون ریال بوده است. در همین سال، در بخش کشاورزی که در راه خودکفایی آن رژیم تبلیغات زیادی می‌کند فقط ۸۶۸۸ میلیون ریال جذب شده است.

طی دوره یاد شده، نه تنها اقدامی در جهت انتقال سرمایه‌گذاریها به بخشهای صنعتی صورت نگرفته، بلکه انحلال واحدهای موجود نیز تشدید شده است. در سال ۶۵، حدود ۲۹ درصد از شرکت‌های منحل شده متعلق به بخش صنعت بوده‌اند. در این سال، ۴۸۰ واحد صنعتی منحل شده‌اند. این رقم، ۹۴ واحد بیش از سال ۶۴ می‌باشد.

گزارش بانک مرکزی جمهوری اسلامی در زمینه توسعه شرکت‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی طی سالهای ۶۴ و ۶۵، هفته گذشته در مطبوعات دولتی به چاپ رسید. این گزارش اگر چه با رعایت ملاحظات سیاسی انتشار یافته، با وجود این حاکی از رکورد شدید سرمایه‌گذاری در بخش صنعتی و کشاورزی و گسترش بخش خدمات، بازرگانی و "شرکتهای دلالی" است. بر اساس گزارش اداره آمار اقتصادی، شرکت‌های خدماتی و بازرگانی در سال ۶۵ نسبت به سال ۶۴، بیش از ۴۶ درصد از میزان سرمایه‌گذاریهای خصوصی و دولتی و ۴۰ درصد از کل آمار بانک مرکزی نشانگر آن است که تعداد شرکت‌های احداث شده در بخش بازرگانی، رستوران‌داری، هتل‌داری و خدمات دلالی و اعتباری غیرتولیدی در سال ۶۴، ۲۸۸۴، و در سال ۶۵، ۳۲۵۷ واحد بوده است. بیش از ۴۰ درصد این واحدها متعلق به بخش خدمات و بازرگانی و ۲۷/۵ درصد از کل شرکتهای احداث شده جزو بخش صنعتی بوده‌اند. در بخش کشاورزی نیز که از محورهای توسعه اقتصادی و پایه برنامه‌ریزی عمومی اعلام شده ۵۸۶ شرکت تاسیس گردیده که این رقم ۷/۱ درصد از مجموع واحدهای

## دور از میهن

### دستگیری مهاجرین ایرانی در مرز پاکستان

روزنامه "داون" چاپ پاکستان در شماره ۱۵ اکتبر خود گزارش داده است که نیروهای مرزی پاکستان ۱۴۲ ایرانی را که بدون گذرنامه و هر نوع مدرک مسافرتی وارد منطقه خاران در بلوچستان پاکستان شده بودند، دستگیر کردند. از سرنوشت این عده که شامل مردان، زنان و کودکان بودند، اطلاعی در دست نیست.

در گزارش داون آمده است: "منابع مطلع گفتند این دستگیری‌ها بخاطر حفظ امنیت شهروندان پاکستانی در مقابله با ورود بیگانگان به پاکستان صورت گرفته است!"

### اقدام به خودسوزی یک پناهجوی ایرانی در کراچی

بنابه گزارش روزنامه انگلیسی زبان "داون" چاپ پاکستان مورخ ۴ آذر، در روز ۲۴ نوامبر (۳ آذر) در برابر ساختمان شعبه امور پناهندگان سازمان ملل در کراچی، یک جوان ایرانی متقاضی پناهندگی در اعتراض به سیاست اداره کمیسیاری عالی پناهندگی مبنی بر عدم پذیرش وی به‌عنوان پناهنده با ریختن نفت به روی خود اقدام به خودسوزی نمود. وی قبل از آنکه آتش سراسر بدنش را دربرگیرد توسط دوستانش و سایر پناهندگان ایرانی حاضر در محل از

مرک نجات داده شد. او که از ناحیه پا آسیب دیده بود، به بیمارستان انتقال یافت و مورد معالجه قرار گرفت.

پناهجوی مزبور ۲۵ سال دارد و از ده ماه پیش در پاکستان بسر می‌برد. شعبه امور پناهندگان سازمان ملل در کراچی علیرغم تقاضای مکرر، از پذیرش وی به‌عنوان پناهنده خودداری کرده است.

بر اساس همین گزارش، این حادثه به‌علت هراس از دستگیری به پلیس کراچی اطلاع داده نشد.

## آلمان فدرال:

### اعتصاب غذای پناهندگان سیاسی در هامبورگ



این اعتصاب مورد پشتیبانی احزاب، سازمانها و شخصیت‌های متعددی قرار گرفت که از آن جمله‌اند: حزب کمونیست آلمان، حزب سبزها، اتحادیه دانشجویان ترک، شیلیایی‌های مبارز، کمیته جنگ خلیج، کائون مهاجرین سیاسی، پترشوت نویسنده مترقی آلمانی و... بسیار از آلمانی‌ها نیز بطور انفرادی به جمع اعتصابگران آمده حمایت خود را از خواستهای آنان ابراز داشتند.

خبر این اعتصاب در روزنامه TAZ درج گردید و رادیو DDR به انجام مصاحبه‌ای با اعتصابیون مبادرت کرد.

تعداد ۱۹ نفر از پناهندگان سیاسی ساکن هامبورگ در اعتراض به روش دادگاههای رسیدگی به امور پناهندگان، از تاریخ ۲۶ نوامبر دست به یک اعتصاب غذای ۵ روزه زدند. در این اقدام اعتراضی، اعتصابگران خواهان اجرای خواستهای سه‌گانه زیر شدند:

- ۱- دوره انتظار برای تشکیل دادگاهها و مدت اعلام پاسخ به متقاضیان پناهندگی کوتاهتر گردد؛
- ۲- رد تقاضای پناهندگی به دلایل واهی متوقف گردد؛
- ۳- بخشی از پناهندگان ساکن ترکیه و پاکستان به خاک آلمان پذیرفته شوند.

## پرونده «بنیاد نبوت»، در اختیار ساواک قرار گرفت

شده است.

در ضمن برخی از جرائم نامبرده در ارتباط مستقیم با نهادها و دوایر مملکتی است. از آن جمله است: بند ۲ تخلفات: اجازه نصب تابلو تحت عنوان فروشگاه تعاونی بدین ترتیب که این مغازه‌ها تحت عنوان مذکور اجناس دولتی را از مراکز مربوط دریافت و بانرخ آزاد به فروش می‌رساندند. بنده تخلفات: سو استفاده از عنوان برخی از شخصیتها. بنده ۶: اخذ کالا و امکانات با قیمت دولتی بنام نهادها و برای ارسال به جبهه و فروش آنها در بازار آزاد. بنده ۷: کارچاق‌کنی برای افراد فراری و صاحبان شرکتیایی که واحدهای آنها در شرف مصادره و یا دولتی شدن بوده است. بنده ۸: پرداخت رشوه به

بقیه از صفحه آخر

که در بنیاد نبوت رفت و آمد می‌کردند و برخی که در هیات مدیره عضویت داشتند، ارتباط مستقیم دارد. تازه سیدعلی موسوی قمی مسئول بنیاد لورفته نبوت، خود در چارچوب کادر حکومتی، فرد بیگانه و خارجی حساب نمی‌آید. دادستان عمومی تهران کارنامه عملکردی را چنین اعلام کرده است. "سیدعلی موسوی قمی بعد از انقلاب در شهرداری قم، استانداری، شهرداری و اداره کل مسکن و شهرسازی و بنیاد مستضعفان بندرعباس مسئولیت داشته و به آخته خود چون در آن جامورد تشویق واقع شده (و چرا که نشود؟) به تهران آمده و در بنیاد مستضعفان تهران به عنوان مشاور فنی و بعد در سازمان ملی کوپترسازی مشغول کار

به‌حسبیت موضوع توجه داشته و چون می‌دانسته است که این فحشا و هرزگی اگر جرم تلقی گردد، گریبان همه مسئولین مملکتی را خواهد گرفت. در خصوص این بند می‌افزاید: "که این مورد در حال بررسی است. البته ایشان مواردی را به عنوان ازدواج موقت مطرح کرده که در صورت اثبات آن جرم تلقی نخواهد شد." و به‌همگان اطمینان می‌دهد که: "چرا که ما باید سیغه را که یک موضوع اسلامی و فقهی است قبول داشته و از بکیر و ببندهائی که در این زمینه وجود دارد دست برداریم."

دادستان عمومی تهران در ضمن فاش ساختن بنیاد نبوت، همزادهای بسیاری دارد که در قالب امور خیریه در راه رضای خدا به‌فعالیت مشغولند. گمانی نیست که بنیاد نبوت، و مسئول آن، از فرزندان حلال جمهوری اسلامی به حساب می‌آیند که تنها در دامان همین رژیم می‌توانند رشد و نمو کنند.

بعضی از افراد - نامشان افشا نشده است. بند ۱: احتکار کالاهای اساسی که از نهادها و مراکز مختلف اخذ کرده. بند ۱۱: عدم پرداخت مالیات. بند ۱۲: خریدن افرادی از رسانه‌های گروهی و رادیو برای تبلیغ ...

چنانکه مشهود است تمامی این موارد تخلف دو سو دارد که یک سوی آن مقامات مملکتی است و سوی دیگر آن اینک بهمین دلیل در "اختیار" وزارت اطلاعات (ساواک) قرار دارد تا آن سو، این سو را رسوا نکند.

نکته قابل توجه دیگر در پرونده نامبرده، بند ۱۲ تخلفات است. در بند ۱۲ تخلفات آمده است: "داشتن فساد اخلاقی". دادستان عمومی تهران البته

### نخستین گام به سوی خلع سلاح هسته‌ای

امکانات بیشتری برای حل مسائل مزبور به وجود خواهد آمد. موفقیت مفتی گذشته، آسان به دست نیامد. این توافق، حاصل تلاش و ابتکار رهبری اتحاد شوروی و سایر نیروهای صلح دوست در سراسر جهان است. دولت آمریکا با ولطبتانه به برچیدن موشکهای میان برد تن نداد. تنها تحت فشار مبارزه بیکسیر جنبش صلح در کشورهای سرمایه داری بود که ریکان ناچار شد به ابتکارات پی در پی و پیشنهادهای سازنده اتحاد شوروی پاسخ دهد.

تازه در روابط اتحاد شوروی و آمریکا که برای صلح و امنیت جهانی دارای اهمیت تعیین کننده است، کشور، خلع سلاح هسته‌ای، نه تنها پیش شرط تضمین صلح جهانی، بلکه گامی برای حل مسائل جهان ما، از قبیل فقر، گرسنگی، بیکاری و عقب ماندگی اقتصادی کشورهای در حال رشد محسوب می‌شود. در صورت تداوم این روند، هزینه‌های سرسام آور نظامی کاهش خواهد یافت و

اینکه موشکهای میان برد تنها ۲ درصد تسلیحات هسته‌ای دو کشور را تشکیل می‌دهد، اما همه ناظران، این نخستین گام به سوی خلع سلاح هسته‌ای را دارای اهمیت تاریخی ارزشیابی کردند. این توافق، راه را به سوی برچیدن انواع دیگر سلاحهای اتمی، و در وهله اول سلاحهای دوربرد (استراتژیک) می‌کشد. اجلاس واشنگتن، مرحله‌ای

جهان در هفته گذشته به واشنگتن پایتخت ایالات متحده چشم دوخته بود. اجلاس سران اتحاد شوروی و آمریکا، این بار در واشنگتن برگزار شد. در این اجلاس تاریخی، قرارداد برچیدن موشکهای میان برد دو کشور (موشکهای هسته‌ای دارای برد ۵۰۰ تا ۵۵۰ کیلومتر) به امضا رسید. با اجرای این قرارداد، برای نخستین بار در تاریخ، نوع معینی از تسلیحات از میان برداشته می‌شود. با

### به سوی چهارمین دیدار مسکو

فشرده‌ای از بیانیه مشترک پایانی دیدار واشنگتن

مذاکرات درباره کاهش سلاحهای تهاجی استراتژیک را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که در پیشروی به سمت انعقاد قراردادی برای تحقق کاهش این سلاحها به میزان ۵۰ درصد، گامهای مهمی برداشته شده است. دو طرف توافق کردند که نمایندگان آنها در مذاکرات ژنو ماموریت یابند تدوین قرارداد درباره کاهش و محدود کردن سلاحهای تهاجی استراتژیک و نیز همه اسناد مربوط بدان را در کمترین مدت ممکن به پایان برسانند، بگونه‌ای که این قرارداد بتواند در جریان ملاقات آتی رهبران دو کشور در نیمه اول سال ۱۹۸۸ به امضا رسد. با توجه به تدارک قرارداد درباره سلاحهای تهاجی استراتژیک، رهبران دو کشور هیات‌های نمایندگی دو طرف را در ژنو مامور کردند توافقی تدوین کنند. این توافق باید دو طرف را متعهد کند قرارداد سال ۱۹۷۲ در مورد منع سیستم‌های ضد موشکی (آ. ب. ام) را به شکلی که امضا شده است، در پژوهشها، تولیدات و آزمایشهایی که قرارداد آ. ب. ام. مجاز شده است، رعایت کنند و در طول زمان مورد توافق، به قرارداد آ. ب. ام. همچنان پایبند بمانند. دو طرف اعلام آمادگی کردند که یک منشور همه‌جانبه، موثر و قابل کنترل بین المللی درباره ممنوعیت و نابودی سلاحهای شیمیایی تدوین شود. دو رهبر اهمیت امر کاهش سطح رویارویی نظامی در اروپا در عرصه نیروهای مسلح و تسلیحات غیر هسته‌ای را مورد بررسی قرار دادند و خواهان پیگیره در صفاحه ۸

در پایان دیدار چهارروزه میخائیل گارباچف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی از واشنگتن، بیانیه مشترکی از سوی طرفین انتشار یافت که بخشهایی از آن به قرار زیر است:

\*\*\*

هنگام دیدار رسمی میخائیل گارباچف از ایالات متحده آمریکا... دبیر کل کمیته مرکزی ج. ک. ا. ش و رئیس جمهوری ایالات متحده کل مجموعه مسائل روابط شوروی-آمریکا، شامل کاهش تسلیحات، حقوق بشر و امور انسانی، حل درگیریهای منطقه‌ای و نیز امور دو جانبه را بطور همه‌جانبه و اساسی مورد بررسی قرار دادند. مذاکرات، صریح و سازنده بود و هم اختلاف نظرهای موجود میان طرفین و هم درک از این امر را که این اختلافات مانعی بر طرف نشدنی بر سر راه پیشرفت در عرصه‌های نامبرده و مورد علاقه مشترک نیست، بازتاب داد... دبیرکل و رئیس جمهور، بر اهمیت بنیادین دیدارهای خود در ژنو و ریکیاویک، که مبنای گامهای مشخص در روند بهبود ثبات استراتژیک و کاهش خطر ایجاد یک درگیری را فراهم آورد تاکید کردند. آنها همچنان از اعتقاد رسا بیان شده خود مبنی بر اینکه جنگ هسته‌ای هرگز نباید درگیر و در چنین جنگی طرف پیروز نمی‌تواند وجود داشته باشد، پیروی خواهند کرد. آنها اعتقاد راسخ دارند که باید جلوی هر جنگ میان ج. ا. ش. س و ایالات متحده - چه هسته‌ای و چه غیر هسته‌ای - را گرفت. دو طرف بدنبال کسب برتری نظامی نخواهند بود.... دبیر کل و رئیس جمهور، مسئله

### از مصاحبه مطبوعاتی میخائیل گارباچف

در پایان اجلاس سران واشنگتن، میخائیل گارباچف دبیر کل کمیته مرکزی ج. ک. ا. ش در یک کنفرانس مطبوعاتی به سوالات خبرنگاران در مورد نتایج اجلاس پاسخ گفت.

گارباچف اظهار داشت بیانیه مشترک شوروی-آمریکا، گستردگی و مضمون مذاکرات را نشان می‌دهد و بازتابی از میزان تفاهم و توافق متقابل در مسائل مختلف و اختلافات جدی موجود است. وی افزود با ریکان در تاکید دوباره بر اعلام رسمی اینکه یک جنگ هسته‌ای هرگز نباید صورت گیرد، و چنین جنگی هیچ ظرف پیروز نخواهد داشت و هیچ یک از دو کشور نباید در پی کسب برتری نظامی باشند، متفق القول بوده است.

رهبر شوروی گفت در اجلاس سران، مسئولیت ویژه قدرت‌های بزرگ در جستجوی راههای واقعی برای جلوگیری از رویارویی هسته‌ای و به سوی آینده‌ای مطمئن، بازتاب یافت. دو طرف توافق کردند که اختلافات موجود را به عنوان موانعی از میان نرفتنی قلمداد نکنند و بر عکس، آنها را انگیزه‌ای برای انجام فعالتر مذاکرات بدانند. گارباچف گفت رهبران دو کشور به این نتیجه رسیده‌اند که اتحاد شوروی و آمریکا در آستانه خروج از یک دوران طولانی رویارویی قرار دارند. رهبر شوروی این نتیجه‌گیری را به لحاظ سیاسی بسیار مهم ارزیابی کرد و آن را نشانه‌گذار به مرحله جدیدی از روابط دو کشور دانست.

دبیر کل ج. ک. ا. ش گفت بیشتر وقت مذاکرات به مسئله کاهش رادیکال سلاحهای تهاجی استراتژیک اختصاص یافت، زیرا این امر مسئله محوری روایت است. هدف، کاهش این سلاحها به نصف است. دو طرف به این نتیجه رسیدند که حل این مسئله ضروری است و باید تا وقتی امکان واقعی قطع روند انباشت زرادخانه‌های استراتژیک موجود است، انجام پذیرد. قرارداد مربوط بدین امر باید در جریان دیدار ریکان از مسکو در نیمه اول سال ۱۹۸۸ به امضا رسد. گارباچف گفت در این عرصه از مذاکرات، "ما به پیشرفت قابل ملاحظه‌ای دست یافتیم."

گارباچف توضیحاتی نیز در مورد گفتگوها پیرامون رعایت قرارداد منع سیستم‌های ضد موشکی (آ. ب. ام) که سال ۱۹۷۲ به امضا رسید اما مدت قانونی آن در شرف اتمام است، داد. دو طرف توافق کرده‌اند که در ژنو نمایندگان دو کشور قراردادی برای ادامه رعایت موافقت‌نامه آ. ب. ام تدوین کنند. در همین رابطه، گارباچف تاکید کرد اتحاد شوروی مخالف قاطع "ابتکار دفاعی استراتژیک" (جنگ ستارگان) است و دست به اجرای برنامه مشابهی نخواهد زد. رهبر شوروی، آمریکا را فرخواند همین برخورد را در پیش گیرد. گارباچف گفت اگر آمریکا اجرای "ابتکار دفاعی استراتژیک" را آغاز کند، مسئولیت عواقب آن را برعهده خواهد گرفت. ثبات استراتژیک، لطمه خواهد خورد. عرصه‌های جدید مسابقه تسلیحاتی با عواقب غیرقابل پیش بینی، گشوده خواهد شد. گارباچف گفت: "اگر آمریکایی‌ها زیادتر از نیاز خود پول دارند، آن را صرف ابتکار دفاعی استراتژیک کنند. اتحاد شوروی در عرصه‌های دیگر، پاسخی جستجو خواهد کرد که صدار ارزان تر و شاید بازم ارزان تر باشد."

گارباچف اظهار داشت کشورش به روشنی اعلام داشته است که نمی‌خواهد در افغانستان یک رژیم طرفدار شوروی را برقرار کند، و طرف آمریکایی نیز باید به صراحت اعلام کند قصد ندارد یک رژیم طرفدار آمریکا در افغانستان برپا سازد. وی افزود تصمیم سیاسی برای خروج نیروهای شوروی از افغانستان گرفته شده و زمان آن هم اعلام شده است: ۱۲ ماه و یا حتی کمتر. گارباچف گفت همزمان با شروع خروج نیروهای شوروی، کمک نظامی و مالی به نیروهای ضد انقلابی باید قطع شود و ای خاطر نشان ساختن با ریکان توافق کرده است کار در این عرصه ادامه یابد.

## بتھوون: از طریق مبارزه به سوی پیروزی!



مطراز آن است. به این مناسبت بخش‌هایی از یک مقاله درباره لودویگ وان بتھوون، مندرج در کتاب "آشنایی باموسیقی" اثر کولرلسوا موسیقی شناس اتحاد شوروی را از نظر خوانندگان می‌گذاریم.

قصیده آزادی است، قصیده دعوت به حرکتی نوین است. "دوستان، بیایید تا نغمه دیگری سردهیم": این قصیده چنین آغاز می‌شود. ۱۷ دسامبر، دویتس وهفدهمین سالگرد تولد سراینده این نغمه جهانی و مجموعه درخشان دیگری از آثار

هر کشوری دارای یک سرود ملی است. اگر زمانی جهان بشری بخواهد نغمه‌ای برگزیند که آرمانها و آمال این جهان را در خود بازتاب دهد، بی‌گمان همه "قصیده شادی"، بخش کُرال سفونی نهم بتھوون را بر لب جاری خواهند کرد. قصیده شادی،

علاقمند بود و این سرنوشته در میدان مبارزه معین و مشخص می‌گردد. مبارزه قهرمان بخاطر آزادی و سعادت انسانها مضمون سفونی سوم بتھوون را تشکیل می‌دهد. مبارزه‌ای سخت و مداوم. نیروهای دشمن گاه عقب می‌نشینند و گاه بانامیدی مقاومت می‌ورزند و ضربات متقابلی وارد می‌سازند ولی قادر نیستند نیروهای را که بخاطر آزادی و عدالت می‌جنگند متوقف سازند. نبرد، بازم نبرد، پیکاری شدید و قطعی و سرانجام پیروزی! آخرین جرقه‌های نبرد خاموش می‌شود. موزیک غنی‌تر و شادتر می‌شود و پیروزی به بهای گزافی بدست آمده است. در پیکاری سخت و وحشتناک قهرمانی بهلاکت رسیده است. ولت فاتح، آخرین احترامات خود را نسبت به او ابراز می‌دارد. ولی بتھوون با مراسم عزا سفونی خود را به پایان نمی‌بخشد. زیرا رهبر ملی بخاطر آینده و بخاطر زندگی، جان باخته بود.

موسیقی بتھوون زندگی مغلوب نشدنی و فنا ناپذیر را ستایش می‌کند. قسمت‌های آخر سفونی را تصاویری از یک جشن با شکوه ملی تشکیل می‌دهند. پیروزمندانی که در جریان نبرد، سعادت خویش را یکف آورده‌اند غوغا برپا می‌سازند. بتھوون در ابتدا به سفونی خود "پناپارت" نام داده بود. او تصور می‌کرد که ناپلئون قهرمان خلق انقلابی خواهد بود و مردم را بسوی آزادی پیش خواهد برد. هنگامیکه ناپلئون خود را امپراتور اعلام کرد، سفونی بتھوون تقریباً پایان یافته بود. و بتھوون وقتی از این امر آگاه شد باخشم فریاد زد: "اکنون او همه حقوق انسانی را لگدمال خواهد ساخت و فقط از امیال خویش پیروی خواهد نمود. او خود را بالاتر از سایرین قرار می‌دهد و یک فرد مستبد می‌شود!" بتھوون صفحه اول پقیه در صفحه بعد

ماموران سانسور مجبور گردید که بجای "آزادی" کلمه "شادی" را بکار ببرد و بتھوون از این مطلب آگاه بود. و من از صحت موضوع فوق کاملاً مطمئن هستم: زیرا شادی قابل تحصیل نیست. بلکه بخودی خود می‌آید. اما آزادی را باید بدست آورد... هنگامی که اجرای سفونی نهم پایان یافت صدای کف زدن با جودی بود که بنظر می‌رسید دیوارهای تلگراف می‌شکافند و فرو می‌ریزند. ولی این صداها بکوش بتھوون نمی‌رسید و او در حالیکه سرخود را پائین افکنده بود پشت به جمعیت در جایگاه رهبر ارکستر ایستاده بود. "کارولینا اونگر" خواننده ابراء، دست بتھوون را گرفت و روی او را بطرف جمعیتی که در تالار حضور داشت برگردانید. برای بتھوون پنج بار کف زدند و قطع کردند و حال آنکه محصول بود برای امپراتور سه بار متوالی کف زده شود. برای اینکه نقض تشریفات که بصورت خطرناکی جلوه می‌نمود دوام نیابد، صاحب منصبان پلیس به جمعیت دستور دادند که متفرق شوند. بتھوون در حالیکه خسته و کوفته شده بود بکمک دوستانش بخانه رسید. بیماری کار خود را کرده بود. بتھوون دیگر قادر نبود سرپا بایستد. دوستانش او را روی کاناپه قرار دادند، او آرام دراز کشید و بدون اینکه تغییر حالت بدهد چشمان خود را بست. یارانش بگمان اینکه او بخواب رفته است منزل وی را ترک گفتند.

شاید حقیقتاً نیز او بخواب رفته بود؟ اما چرا دیگر آن ژرفای بی‌پایان عالم ناشناختی و اشکال لاجوج وهم و خیال دیگر وجود ندارند؟ و اکنون تصاویر روشن و بسیار آشنا که همه جزئیات را در بر دارند یکی پس از دیگری در برابر چشمان وی ظاهر می‌گردند. زندگی با رنگها و اصوات در برابر وی رژه می‌رفت. این زندگی وی بود... بتھوون به سرنوشته مردم سخت

بیان موسیقی طوری است که گویی بشریت خود را برای نبردهای دیگری، بخاطر کسب سعادت آماده می‌سازد. نوای موسیقی، گذشته را مورد عداقت و بررسی قرار می‌دهد و می‌کوشد که به آینده نیز نظری بیفکند. آهنگساز با دستی توانا و تزلزل ناپذیر تصویر این آینده روشن را ترسیم کرده است که بصورت فینال و قسمت نهایی سفونی نهم متجلی می‌شود. چنان بنظر می‌رسد که بتھوون برای بیان این مطلب تنها موسیقی را کافی نمی‌دانسته و از این جهت کلام و آواز را نیز بدان افزوده است. بدینسان بود که برای نخستین بار در سفونی، خوانندگان کربلسونیز ظاهر شدند. ریچارد واگنر، آهنگساز آلمانی می‌گفت: "فانگارها با غرش خود شگفتی می‌آفرینند و مارا بیاد جنگهای اخیر می‌اندازند" و در پاسخ آنها صدای مطمئن انسان طنین انداز می‌شود که می‌گوید: برادران! غم و اندوه بس است، بیایید بخاطر شادی و مسرت حقیقی و بی‌گران سرود بخوانیم. "شادی!" چنین می‌نماید که کُر بنام همه بشریت به این خواست پاسخ می‌گوید. بتھوون سفونی نهم خود را با منظومه معروف فردریک شیلر، شاعر آلمانی، "بسوی شادی" پایان می‌بخشد. آفتاب بزرگ و با عظمتی در آسمان صاف اوج می‌گیرد و با صدای رسای کُر این کلمات در فضا می‌پیچد: انسانها همدیگر را در آغوش بگیرید، اینست آینده‌ای که در میان بازوان برادرانه همه انسانهای جهان قرار گرفته است. انسانهایی که در راه رسیدن به صلح، آزادی و سعادت تلاش می‌کنند. شونندگان فوری روح انقلابی سفونی را درک کردند و در بیان واضح موسیقی افکار سازنده آن را دریافتند. آنتوان روبنشتین، آهنگساز روس می‌نویسد: من باور نمی‌کنم که قسمت آخر سفونی، "منظومه شادی" باشد. بلکه این "منظومه آزادی" است. می‌گویند که شیلر تحت فشار

هفتم ماه مه سال ۱۸۲۴ در تاتر "کرتنر تور" وین، نخستین اجرای سفونی نهم بتھوون بروی صحنه می‌آید. آهنگساز در جایگاه رهبر ارکستر ایستاده بود و دستهای خویش را تکان می‌داد. او مدتها بود که بر اثر از دست دادن قوه شنوایی قادر به رهبری ارکستر نبود و در حقیقت رهبر دیگری که در دو قدمی بتھوون قرار داشت ارکستر را هدایت می‌نمود. نهمین و آخرین سفونی بتھوون نقطه پایان کار خلافت وی بود. در این سفونی او افکار و عقاید خویش را درباره حیات، درباره راههایی که در برابر بشریت قرار دارد تمام و کمال بیان کرد. او با این سفونی نسلهای بعدی خویش را مورد خطاب قرار داده است. بهمین علت نمی‌توانست در روی صحنه ظاهر نشود، او خویشتر را موظف می‌دانست که شخصاً این اثر را به شونندگان ارائه دهد.

مثل این بود که تمام تاریخ بشریت در برابر شونندگان گسترده شده است. هنوز نیروهای سیاه تهدید می‌کنند. هنوز آسمان تیره و کدر است. اما صدای غرش طوفان آغاز شده است. انسانیت به نبرد برخاسته است و سپیده صبحدم می‌خواهد هر چه زودتر برسد. هنوز آفتاب دیده نمی‌شود ولی از افق فرا رسیدن آنرا می‌توان حدس زد. ابتدا انوار باریکی که ابرهای سربی رنگ را به عقب نشینی و امیدارند و سپس خط سرخ قامی که سراسر پهنای آسمان را فرا می‌گیرد طلوع خورشید را نوید می‌دهد. "از طریق مبارزه بسوی پیروزی"، اینست شعار زندگی و کار خلاقانه بتھوون! او معتقد است که برای پیروزی، تلاش و پیکار نهایت ضرورت را دارد. در سفونی، فشار و سنگینی مبارزه مداوم جای خود را به تفکرات عمیق می‌سپارد. این افکار گاه نگران و گاه آرام و متمرکز، اما در هر حال جستجوگر و مشوق پیشروی هستند.

## بتیهورن: از طریق مبارزه...

بقیه از صفحه قبل

سغونی را برداشت، پاره پاره کرد و بگوشه‌ای برت نمود آنتاه کاغذنت تمیزی برداشت و عنوان جدیدی روی آن نوشت: "سغونی قهرمانی". امپراتور نمی‌توانست قهرمان سغونی سوم بشود. قهرمان این سغونی ملت است. بتیهورن نه سغونی، پنج کنسرت برای پیانو بزرگتر، کنسرت ویولون اپرا، باله و اورتور و آراتور فانتازی آواز، و موسیقی مجلسی نوشت که در میان آنهایی بود سونات برای پیانو و جرد دارد. تصنیفات بتیهورن را نمی‌توان به "کوچک" و "بزرگ" تقسیم کرد. زیرا تمام آثار او از یک فکر عمیق، روح عصیانگر، توانائی و نیرو و شجاعت برخوردارند او در کلیه آثار خویش با سخاوتمندی هر چه بیشتر، ندای قلب و افکار روشن خود را بکار می‌برد و مناسبات خویش را با زندگی آشکار می‌ساخت. سوناتهای بتیهورن که برای پیانو نوشته شده است می‌توان سغونی کوچک نامید. در این سوناتها غلیان و شوق انقلابی و دعوت به مبارزه خودنمایی می‌کند. فقط یک سطر از سونات "آپاسیونات" را بنوازید، تا مفهوم گفته‌های فوق بهتر بر شما آشکار شود. بتیهورن می‌گفت که در سونات "آپاسیونات" از اثر دراماتیک شکسپیر، "طوفان" الهام گرفته است. ولی این یک آهنگ باری متن داستان شکسپیر نیست، بلکه مبین ایمان انسانی است که قادر است سترها را در هم بکوبد و راه رسیدن به سعادت را باز کند. کلمه "آپاسیونات" بزبان ایتالیایی یعنی شور و شوق و موسیقی، "آپاسیونات" بتیهورن در انسان شور و دلیری می‌آفریند. این سونات فوق‌العاده دوست داشتنی و یک موسیقی مافوق انسانی است.

در کنار سونات "آپاسیونات" سونات "مهتاب" قرار گرفته است که شهرت فراوانی دارد. در سونات، "مهتاب" احساسات و عواطف گوناگون انسانی پیچیده‌ترین وضعی بهم گره خورده است: تلخکامی، تنهایی، خاطراتی که گاه غم انگیز و زمانی شادی بخش هستند. مثل اینکه در این تلافی عواطف، شک و تردید، اعتقاد و ایمان، تفکر و احساس با هم در آمیخته و در این اثر بیکره واحدی را ایجاد کرده‌اند.

اعتقاد بتیهورن، به زندگی و آینده و اینکه سرانجام خیر بر شر غالب و پیروز می‌شود و اقا

عجاب انگیز است. مشکل بتیهورن فردی رایفانت که مانند بتیهورن زیر ضربات هولناک و سهمگین سرنوشت قرار گرفته باشد. برای آنکه میزبان تیره روزی بتیهورن بی ببریم و از رنج والی که وی متحمل شده است تصور و تجسمی داشته باشیم لازم است که آهنگسازی کر یانقاشی نابینا یادونده چلافی را با وضعی که بتیهورن داشت مورد مقایسه قرار دهیم. ولی بتیهورن واقعا معجزه کرد. او در حالیکه قوه شنوایی را از دست داده بود، همچنان به خلق آثار موسیقی مبادرت می‌ورزید. او در وخیم‌ترین روزهای بیماری خویش در وصیت‌نامه خود چنین نوشت: "اگر بیش از آنکه کسی بتواند کاملا منویات خویش را در هنر موسیقی بیان کند، مرگ سراغش آید، او چنین مرگی را زودرس و غیر منتظره خواهد خواند." بتیهورن می‌گفت: "می‌خواهم چنگالهای خود را در گلوئی سرنوشت فرو برم و به او بگویم که قادر نیست پشت مرا بخواک اندازد." از طریق مبارزه - پیش بسوی پیروزی! - شاری که بتیهورن داده بود او را در زندگی به آزمایش سخت و دشوار کشاند ولی او از این آزمایش سر بلند بیرون آمد، مبارزه کرد و پیروز شد. او پیروز شد برای اینکه مبارزه نمود.

اوشعار خود را بطرز حیرت انگیزی در سغونی پنجم بیان کرده است. در قسمت نخست این سغونی سرنوشت در را می‌گوید: "سپس بازم تصویر نبردهای سهمگین در اذهان زنده می‌شود و مردم بخاطر رسیدن به زندگی بهتر و روشنتر که آرزوی آن پیوسته در قلوب آنان شعله‌ور است، نبرد می‌کنند. آنها می‌خواهند که سازنده سرنوشت خویش باشند. پایان شکوهند سغونی، مبین پیروزی مردم در این نبرد سهمگین است و آنها موفق شده‌اند بانی و سازنده سرنوشت خویش شوند..."

بتیهورن در حالیکه بالباس روی کاناپه دراز کشیده است، به نقطه‌ای خیره می‌شود وزیر لب می‌گوید: "مردم سازندگان سرنوشت خویش هستند!" در اطاق کسی نبود، بنظر می‌رسید که دوستانش مدت‌هاست از اطاق خارج شده‌اند. نسیم خنک سحری از پنجره بدرون اطاق می‌وزید. طلوع زودرس ماه مه، آسمان را زین می‌ساخت. بتیهورن از جای برخاست، به پیانو نزدیک شد. با یک انگشت، تم فینال سغونی نهم "میلیونها انسان همدیگر را در آغوش بگیرید!" را بنوازد آورد و آنگاه خنده بلندی سرداد. زیرا اطمینان یافت که سغونی او با موفقیت روبرو خواهد گشت. سال

ملو از جمعیت با لژ خالی امپراتوری در برابر چشمان وی تجسم یافت. یکبار امپراتور گفته بود که او به توابع احتیاجی ندارد، بلکه اتباع و فادار برای او لازم است.

کری بتیهورن بما کمک کرده تا از مضمون بعضی از مذاکرات که وی با دوستان و آشنایان خود کرده است مطلع شویم. آهنگساز برای گفتگو با دینگران از دفترچه مخصوصی استفاده می‌کرده که در آن هم صحبت‌های او برش‌ها و نظرات خویش را می‌نوشتند. با مطالعه این دفترچه می‌توان با گفته‌ها و سخنان بتیهورن آشنائی حاصل کرد. در صفحات اول دفتر نوشته شده است: "اینقدر بلند حرف نزنید!" "به تمام صحبت‌های شما گوش می‌دهم!" "... در میان شما جاسوس وجود دارد." پس از مرگ بتیهورن، شخص محتاطی که دفاتر گفت و شنود او را نزد وی بود بیش از نیمی از این دفاتر را از بین برد. زیرا در این دفاتر حملات زیادی به مقامات عالیه شده بود او می‌ترسید که این دفاتر برای او ایجاد گرفتاری کنند. در دوره حیات بتیهورن اگر مقامات عالیه اقدام به توقیف او نکرده و وی را بزدان نکشاده بودند بدان علت بود که از افکار عمومی وحشت داشتند. زیرا بتیهورن از شهرت و محبوبیت فراوانی برخوردار بود.

امپراتور که بر اتباع خویش حکومت میراند، بر بتیهورن سلاه و اقتداری نداشت. بتیهورن متعلق به همه بشریت بود. لژ خالی تئاتر "کرتل‌تور" مانند دخمه تاریکی بنظر می‌رسید که دورش را طلاکرفته باشند و هیچکس این زحمت را بخود نمی‌داد تا باین دخمه نگاه کند. همه متوجه صحنه

## به سوی چهارمین دیدار...

بقیه از صفحه ۶

پایان سرب کارهای مربوط به این امر دروین شدند...

## حقوق بشر و درگیر بهای منطقی

دو رهبر، به تفصیل و با صراحت مسئله حقوق بشر و نیز مسائل انسانی و جایگاه آن را در گفتگوی شوروی - آمریکا بررسی کردند.

دبیرکل و رئیس جمهور، بحثی فراگیر، روشن و مشخص درباره مسائل منطقه‌ای، از جمله درباره افغانستان، جنگ ایران و عراق، خاور نزدیک، کامبوج، جنوب آفریقا، آمریکای مرکزی و سایر مسائل انجام دادند. دو طرف به اختلافاتی جدی رسیدند، اما

بودند و برای بتیهورن ابراز احساسات می‌کردند. امپراتور حاضر نشد که در سالن مجلل بدیدن بتیهورن بیاید، در عوض آنقدر مردم آشنا و غریبه از پله‌های شیب‌دار و نیمه تاریک خانه بتیهورن بالا و پائین می‌آمدند که اغلب بتیهورن غرولند می‌کرد و می‌گفت که "مزاحم کار او هستند". اما باطنا از این رفت و آمد مردم راضی بود. او مردم را دوست داشت و مردم نیز او را درک می‌کردند. مردم نمی‌خواستند به سخنان فریبنده‌ای که در پس آنها بوچی و بیهودگی پنهان است گوش بدهند، بلکه می‌خواستند به موزیکی که از قلب بر می‌خیزد گوش فرا دهند. بتیهورن تاحد خشونت رک و راست بود و گاهی نیز منصفانه عمل نمی‌کرد. او آدم خیر و مهربانی نبود ولی خیراندیش نیکخواه بود و این عواطف بتیهورن را آهنگسازان با استعداد معاصر کاملا درک می‌کنند. وقتی بتیهورن مرد، ناگهان طوفان در گرفت. طوفان در ماه مارس، همراه با رگبار برف و غرش رعد و جهش برق و ناگهان حادثه‌ای غیرمترقبه روی داد. آهنگساز که در حال مرگ بود چشمان خود را باز کرد، کمی بلند شد و با مشت گره کرده آسمان را تهدید کرد. او با مرگ لحظه‌ای بیش فاصله نداشت اما مانند همیشه معتقد بود که تسلیم جایز نیست و تنها آزاره مبارزه می‌توان به پیروزی رسید. او باز هم فاتح شد. مرگ بسراغش نیامد. بلکه جاودانگی از او استقبال کرد. بتیهورن به پیروزیهای خود ادامه می‌دهد. با کلاشت هر سال انسانهای بیشتری در راه ایجاد آتیه روشن و تابناکی که لودویک وان بتیهورن بشریت را بساختن آن تشویق می‌نمود توفیق بیشتری پیدا می‌کنند.

در این امر توافق داشتند که ادامه تبادل نظر منظم میان دو طرف اهمیت دارد. دو رهبر، بر اهمیت فزاینده حل درگیری‌های منطقه‌ای برای کاهش تنشجات بین المللی و بهبود روابط شرق و غرب تاکید کردند.

دو طرف توافق کردند که گفتگو میان اتحاد شوروی و آمریکا درباره این مسائل باید در خدمت این قرار گیرد که به طرفهای درگیر در اختلافات منطقه‌ای در جستجوی راه حل‌های مسالمت‌آمیزی که در خدمت استقلال، آزادی و امنیت باشد، کمک کند. دو رهبر بر اهمیت بهبود امکانات سازمان ملل متحد و سایر نهادهای بین المللی در کمک به حل درگیری‌های منطقه‌ای تاکید کردند...



پتیه از صفحه آخر  
بلافاصله پس از جنگ جهانی اول،  
الگوی صرفاً کشاورزی یک  
سرمایه‌داری وابسته دچار بحرانی یک  
عواقب گسترده شد. در دهه ۵۰  
تلاشهایی برای صنعتی کردن کشور  
آغاز شد که در دهه ۶۰ به اوج خود رسید  
با تأسیس بازار مشترک آمریکای  
مرکزی، مدل کشاورزی-صنعتی ویابه  
تعبیر دیگر صنعتی - کشاورزی به  
آزمایش گذاشته شد. اما بحران  
ساختاری رفع نشد و در سال ۱۹۶۹  
فوران کرد. بارزترین نمود آن،  
مبارزه جنبش خلق در آن سالها بود.  
بحران مزبور، زمینه بحران انقلابی  
راکه در سال ۱۹۷۹ آغاز شد، تشکیل  
می‌دهد. عواقب و رشد آن، پایه مادی  
موقعیت انقلابی به شمار می‌روند. تا  
زمانی که بحران ادامه یابد، اعتلای  
انقلابی دارای مبنای عینی است. به  
همین ترتیب، جنبش دمکراتیک  
انقلابی عامل بازدارنده‌ای بر سربک  
راه حل بورژوازی برای بحران،  
آنگونه که ایالات متحده می‌خواهد،  
محسوب می‌شود.

### بحران سیستم

بحران در السالوادور، جزئی از  
بحران عمومی سرمایه‌داری است، اما  
ریشه‌ها، خصوصیات ماهوی و عواقب  
ویژه دارد. نحوه رشد آن و عوامل  
ایجاد کننده و نیز تلاشها برای حل  
آن، از جوهر درونی آن نشأت  
می‌گیرند. اما از آغاز، یک عامل  
خارجی، نقشی تعیین کننده ایفا کرده  
و رشد سرمایه‌داری وابسته را به زیر  
تأثیر خود گرفته است، و آن عبارت  
است از سیاست دولت ایالات  
متحده. آمریکایا الیکارشی  
السالوادور متحد شد و در السالوادور  
یکی از عقب‌مانده‌ترین و  
استثمارگرترین مدلهای کشورهای  
وابسته را به کرسی نشاند.  
دولت آمریکا به تقویت ارتش  
طرفدار الیکارشی پرداخت تا از این  
طریق رژیم سربکبر دیکتاتوری نظامی  
را بر سر قدرت نگه دارد.  
بدین ترتیب، ایالات متحده از آغاز  
این قرن عامل ثابت هر چه موثرتری در  
مسئله ملی و نیز اوضاع منطقه بوده  
است.

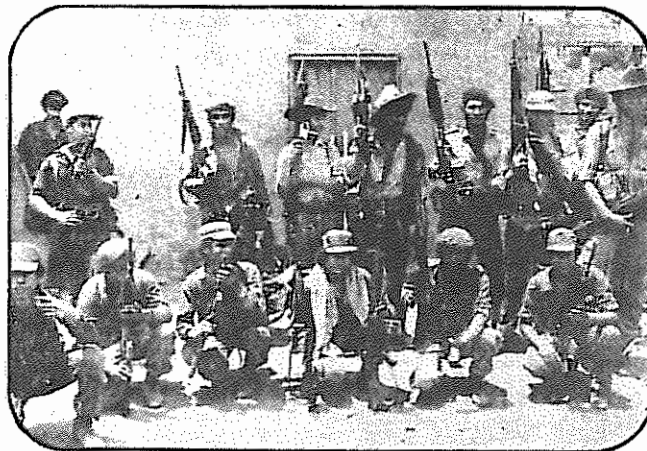
روند دمکراتیک انقلابی در  
طول دهه ۷۰ رشد شتابانی داشت و با  
اعتلای نوع نوینی از جنبش توده‌ای  
همراه بارش جنبش مسلحانه، از ۱۹۷۵  
به بعد بر قدرت، عتق و شتاب خود  
افزود. این روند به پیدایی **موقعیت  
انقلابی** انجامید. سازمانهای انقلابی  
و دمکراتیک موفق شدند جنبش

توده‌ای نیرومند، سیاسی و مبارزی در  
میان مردم ایجاد کنند. در این زمان،  
استراتژی "به عقب راندن" انقلاب  
که توسط کارتر ارائه شده بود، دچار  
بحران گردید. حزب دمکرات آمریکا  
در داخل این کشور موضع تدافعی  
گرفت. در سال ۱۹۷۹، کارتر اقدام  
به دامن زدن آشکار به درگیری نظامی  
کرد.  
در السالوادور می‌کوشند جلوی  
پیشروی انقلاب را بگیرند؛ در

## السالوادور:

## خصلت و چشم اندازهای انقلاب

مقاله‌ای از ماهنامه "السالوادور رپورت"



نیکارگوته، آنکولا، موزامبیک و  
حتی لهستان می‌کوشند نشان دهند که  
حتی می‌توان انقلاب را به عقب باز  
کرداند. در این رابطه، السالوادور  
را به عنوان عرصه‌ای اصلی برای  
کاربست "استراتژی ضدشورش" و  
برای به اصطلاح درگیری و جنگ "با  
شدت کم" برگزیده‌اند. السالوادور  
برای پنتاگون و سیا نوعی آزمایشگاه  
است. بیهوده نیست که یکدندگی  
دولت ریگان عامل تعیین کننده‌ای در  
تشدید بحران در السالوادور و کل  
آمریکای مرکزی به شمار می‌رود.  
به همان میزانی که مداخله  
خارجی شدت می‌گیرد، **خصلت  
دموکراتیک توده‌ای و ضد الیکارشی  
انقلاب با سنت‌گیری تاریخی بسوی  
سوسیالیسم** دارای وزن و قدرت  
بیشتری می‌شود. در این مرحله، **عامل  
لهشی** رشد می‌کند.

### موقعیت انقلابی

در سال ۱۹۷۹، روند انقلابی که  
از پیش آغاز شده بود، تحکیم یافت.  
این، چهارمین موقعیت انقلابی در

قرن حاضر است (موارد قبل در ۱۹۲۲،  
۱۹۴۴ و ۱۹۶۰ بود). اما تهاجم  
سراسری جبهه رهایی بخش فارابوند و  
مارتی (اف. ام. ان. ال) و جبهه  
انقلابی (اف. د. ا. ن) نه در نقطه  
اوج بحران ملی، بلکه در دم ژانویه  
۱۹۸۰ آغاز شد، یعنی زمانی که اوج  
بحران سیاسی سپری شده بود.  
این تهاجم اگر چه به کسب  
قدرت نینجامید، اما مرحله  
عالی‌تری از رشد انقلاب مسلحانه را

روندی که با شکست‌های بیشتر در  
جنگ شدت می‌گیرد.  
تحت این شرایط، بویایی  
مبارزه طبقاتی در کلیت آن، راه خود  
را به سوی ساختار ملی جدید قدرت  
می‌گشاید. چشم انداز آینده، در  
اینجاست. اف. ام. ان. ال - ان. اف. د.  
ار، تنها برای حق تعیین سرنوشت مردم  
السالوادور و جلوگیری از مداخله  
خارجی مبارزه نمی‌کند، بلکه با همان  
جدیت و تاکتیک، شرایط نظامی و سیاسی  
سربکب مداخل احتمالی در  
السالوادور را ایجاد می‌نماید.  
همانگونه که فرمانده چه گوارا  
پیش بینی کرد، یک ملت مورد حمله و  
مداخله قرار گرفته ناچار است نه تنها  
در محاصره دشمن از خود دفاع کند،  
بلکه دست به ضدحمله نیز بزند. شعار  
بر حق و ضروری این است: دو - و -  
ویتنام ایجاد کنیم.

بدون تردید بحران  
السالوادور، بخش جدایی‌ناپذیری از  
بحران آمریکای مرکزی است و در این  
بحران، یک نقطه حساسی را تشکیل  
می‌دهد. قطعاً مبارزه اجتماعی در  
السالوادور به عوامل منسقه‌ای بستگی  
دارد، اما این مبارزه علل ویژه و  
جایگاه سیاسی و تاریخی خاصی  
برخوردار است. در عین حال این  
مبارزه سرمستی برای منطقه، و عاملی  
است که در صورت حل واقعی مسائل  
آمریکای مرکزی باید به حساب آورده  
شود.

اف. ام. ان. ال. از آغاز  
تأسیس خود، مشی و پیرائیک خود را بر  
این نهاده است که ساختمان  
سوسیالیسم، راه حل عادلانه و نهایی  
بحران ساختاری است.

این، مبنای الگوی فکری  
سیاسی - ایدئولوژیک و برنامه  
تاریخی یا به عبارتی برنامه حد اکثر  
ماست.

در رابطه با مسئله کسب قدرت،  
ما از مبنایی عملی (برنامه حداقلی)  
برای دوره گذار تحت رهبری یک  
دولت دمکراتیک انقلابی حرکت  
می‌کنیم.

با توجه به ابعاد و پیچیدگی  
رویارویی سیاسی در السالوادور و  
به ویژه سیاست خیره‌سارانه ایالات  
متحده، ائتلاف دمکراتیک انقلابی  
(اف. ام. ان. ال. ان. اف. د. ا. ن) در  
جستجوی راههای کاهش لطامات انسانی  
و اجتماعی جنگ و راه حل عملی سیاسی،  
یک پیشنهاد سیاسی مشتمل بر ۶ مورد  
ارائه کرده است که هدف ایجاد یک  
توافق اجتماعی رادنیبال می‌کند.

این پیشنهاد مهر و نشان مشی ما  
برای حل سیاسی و همه‌جانبه بحران از

آغاز کرد، مرحله گسترش جنگ  
انقلابی توده‌ای. با ایجاد مناطق  
تحت کنترل و عوامل جدید نظامی،  
ارضی، سیاسی و دیپلماتیک قدرت و  
نیز ایجاد عوامل جدید قدرت در میان  
مردم، ساختار کشور دستخوش تغییر  
شد.

این امر بسیار قابل توجه است  
که همه دولت‌های بیپای طی شش سال  
گذشته در اجرای یک نسخه جدی و  
عملی رفرمیستی ناموفق مانده‌اند.  
سیستم در السالوادور با سخت‌ترین  
بحران تاریخ خود روبرو است که  
ابعاد آن حتی از موقعیت انقلابی  
۱۹۲۲ نیز بزرگتر است.

اوضاع اقتصادی آنچنان وخیم  
است که دیگر تحت شرایط موجود بهبود  
نخواهد یافت. پایه‌های جامعه به  
لرزه افتاده است؛ نظام حقوقی دچار  
بحران است؛ دولت دیکتاتوری  
قدیمی و تضعیف شده، تغییر شکل یافته  
و به نهادی برای جنگ ضدقیام تبدیل  
شده است؛ نیروهای مسلح دیگر اوضاع  
را تحت کنترل ندارند و دچار روند  
از هم پاشی فیزیکی و معنوی هستند،

طریق مذاکرات را دارد. شش مورد عبارتند از:

- ۱- راه حلی توسط خود السالوادوری‌ها.
- ۲- گسترش و پیلورالیسم در دولت.
- ۳- توافق در مورد آتش بس همراه با تغییر دولت.
- ۴- ایجاد نظام عادلانه اقتصادی.
- ۵- دموکراسی و احترام به حقوق بشر.
- ۶- سیاست خارجی صلح جویانه.

## انقلاب و دموکراسی

### مسئله عملی انقلاب

رابطه میان دموکراسی و انقلاب میان مبارزه با امپریالیسم و انقلاب، و نیز رابطه میان جنگ و صلح، مسائل تئوریک و سیاسی‌ای هستند که از دیرباز مطرح بوده‌اند و برای انقلاب السالوادور، مسائل بسیار مشخص محسوب می‌شوند.

در السالوادور، مبارزه در راه آزادی‌های دموکراتیک، هدف روزمره مردم و نیروی محرکه تعیین کننده‌ای برای روند انقلابی است. اما در مراحل رشد انقلاب و روند انقلابی، پرچم دموکراسی همواره از سوی بورژوازی و دولت آمریکا برافراشته شده است، آن هم به عنوان جایگزین و نه جز' اصلی اهداف انقلابی. هدف این است که انقلاب به راه فرمیسم کشانده شود. این مسئله نه صرفاً در سطح بحث تئوریک، بلکه در مبارزه سیاسی مطرح است.

هم وفاداری انقلابیون به امر انقلاب و هم توانایی آنها برای به خدمت گرفتن عامل مشخص اجتماعی در راه کسب مواضع، به آزمایش گذاشته می‌شود.

در رابطه میان انقلاب و دموکراسی، وحدت این دو هدف مبارزه، عامل تعیین کننده است. این هم در السالوادور هم در کل آمریکا لاین صاف است. امر دموکراسی، در این وحدت به بیشترین حد از زنده بودن و پویایی می‌رسد. دموکراسی انگیزه و رانندگی در مبارزه است و با اهداف دراز مدت انقلاب گره می‌خورد.

اما یک سیاست نادرست و رهبری بد، می‌تواند دموکراسی و انقلاب را در برابر هم قرار دهد، یعنی هدف کوشش‌های دیرین دولت آمریکا را تحقق بخشد. دموکراسی توده‌ای همراه با استقلال (حاکمیت ملی) در السالوادور یک هدف انقلابی است، و دستیابی بدان باره انقلاب مسلحانه گره خورده است. درک بورژوازی از دموکراسی به نحو مطلوب آمریکا، دارای خصیلتی

دیگرگون و متضاد است و در چارچوب طرح‌ها و نقشه‌های "ضدشورش" می‌کنجد.

این امر بطور مشخص بدین معناست که دموکراسی با "جنگ ضد شورش" تلفیق‌ناپذیر است. مبارزه ضد امپریالیستی، بخش اصلی مبارزه انقلابی را تشکیل می‌دهد، زیرا پیش شرط پیشروی انقلاب، احیای حاکمیت ملی و احیای حاکمیت ملی، نخستین شرط برقراری دموکراسی است. در رابطه میان انقلاب و دموکراسی عوامل مختلف اثر می‌گذارند و از جنبه‌های مختلف تحول می‌یابند. در این روند متحول، قواعد ثابت برای روابط متقابل این عوامل نمی‌تواند وجود داشته باشد. در کشور ما، پیلورالیسم یک اصل برنامه‌ای انقلاب است.

### مذاکرات

ائتلاف دموکراتیک انقلابی، مشی پیگیری در مذاکرات را دنبال می‌کند. اف. ام. ال. ان. اف. د. ار، این سیاست را بر مبنای زیر استوار کرده است:

۱- عملی که به جنگ انقلابی توده‌ای انجامیده و آن را بر حق کرده‌اند، امروز نه تنها همچنان وجود دارند، بلکه آشکارتر و عمیق‌تر شده‌اند. روند مذاکرات نمی‌تواند این واقعیت را نادیده گرفته و از دستور خود خارج کند.

۲- موقعیت عینی و انکارناپذیر قدرت در گانه وجود دارد.

۳- ما نیرویی سیاسی هستیم که در پیشروی و قدرت گرفتن است. ما اطمینان داریم که به پیروزی دست خواهیم یافت. اما راه مذاکره را جستجو می‌کنیم، زیرا می‌خواهیم از تشدید باز هم بیشتر مداخله در کشور جلوگیری کنیم، حاکمیت ملی را دوباره برقرار سازیم و از تحمیل لطمات اجتماعی باز هم بیشتر به خلق خود اجتناب کنیم.

۴- دموکراسی بدون استقلال تحقق یافتنی نیست. برای دستیابی به صلح، باید مداخله آمریکا در کشور ما پایان یابد. روند مذاکره در این وجه اصلی باید به راه حلی بیانجامد.

۵- دولت از این روطرف مذاکره است که یک طرف جنگ است و نه به این دلیل که مشروعیت دارد، انتخاباتی که تاکنون برگزار شده است، بخش لاینفکی از نقشه "ضدشورش" بوده و فاقد هرگونه اعتباری است. انتخابات توسط نیروهای مسلح سرکوبگری کنترل شده است که کاملاً تحت فرمان دولت آمریکا قرار

دارند. از این روماً قانونیت دولت را به رسمیت نمی‌شناسیم.

۶- در شرایط کنونی، مذاکرات نمی‌تواند از سوی هیچ یک از دو طرف هدف تسلیم و یا خلع سلاح یک جانبه طرف مقابل را دنبال کند. خلع سلاح، آنگونه که در پیشنهاد صلح دولت به گونه‌ای بی‌ربط آمده است، نمی‌تواند شرط مذاکرات باشد.

۷- ما قانون اساسی کشور را به رسمیت نمی‌شناسیم، زیرا شکل‌گیری و روند تاریخی آن رضایت‌آور نیست. در قانون اساسی کوشش می‌شود نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ناعادلانه تحکیم و بر نقشه‌های "ضدشورش" آمریکا که ما دست اندر کار نقش بر آب کردن آنیم، پرده ساتری کشیده شود. از بطن آزادی‌ای که خلق السالوادور با مبارزه بدان دست خواهد یافت، و از بطن حاکمیت خلق بر سرنوشته خویش، قانون اساسی‌ای ایجاد خواهد شد که مبنایی برای یک جامعه عادلانه و آزاد بوجود خواهد آورد.

۸- صلحی که با مذاکرات به دست آید، باید با تشکیل دولت موقتی با شرکت گسترده نیروها، از جمله اف. ام. ال. ان. اف. د. ار. همراه باشد و حفظ قدرت مسلح آن را تضمین کند. به همانگونه که حفظ نیروهای مسلح دولت کنونی را تضمین می‌کند. این دولت موقت باید مسائل موجود، از جمله وجود دو ارتش را حل کند و شرایطی بوجود آورد که برای مردم، تصمیم‌گیری دموکراتیک و آزاد درباره راه آینده کشور را از طریق انتخابات آزاد و پاکیزه، امکان‌پذیر سازد.

۹- تصمیمات اف. ام. ال. ان. اف. برای "انسانی کردن جنگ" (منظور، پیشنهادهای سال گذشته این جبهه به دولت برای خودداری از حمله به مناطق مسکونی و اقاماتی از این قبیل است - م. م.) بنا را بر این می‌گذارد که جنگ ادامه یابد. "انسانی کردن" واقعی درگیری، تنها با راه حل کلی و عادلانه سیاسی امکان‌پذیر است. این تصور که می‌توان سلاحها را با توافق‌های گام به گام در جهت "انسانی کردن" خاموش کرد، نادرست است.

۱۰- ما پیوسته در این راه مبارزه می‌کنیم که مذاکرات با هدف راه حل کلی و سیاسی، مشخص تر شود. از این رو ما با تلاش دولت دوارته برای سو' استفاده از مذاکرات به عنوان مانوری به سود سیاست ریکان بر علیه خلق السالوادور و به سود تجاوز و فشار بر نیکارا گوته، مقابله می‌کنیم.

۱۱- تخریب اقتصاد جنگی، یک سلاح

استراتژیک خلق و اف. ام. ال. ان. اف. است. اف. ام. ال. ان. تنها زمانی خودداری از کاربرد این سلاح را به عنوان موضوع مذاکرات می‌پذیرد که متقابلاً دولت و نیروهای مسلح آن نیز از کاربرد سلاح‌های استراتژیک چشم‌پوشی کنند.

۱۲- دولت دوارته بخش بزرگی از مخارج جنگ را به زحمتکشان تحویل می‌کند و علاوه بر آن، کمک گسترده‌ای از ایالات متحده می‌گیرد. با اینکه جنگ انقلابی بطور عمده متکی به کمک‌های مردم است، اف. ام. ال. ان. این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که در مورد آن دسته از زمینداران و سرمایه‌داران بزرگ که با سرکوب همکاری می‌کنند و مسئول بی‌عدالتی اجتماعی‌اند، مالیات وضع کند. ما در این بحث خواهیم نشست و به شرطی که دولت و نیروهای مسلح آن از استفاده از کمک مالی ریکان چشم‌پوشی کنند، آماده مذاکره در این باره هستیم.

۱۳- با اینکه حمایت ادعایی لیستیکی از اف. ام. ال. ان. از خارج از کشور در اکثر موارد واقعیت ندارد و در آن موارد نیز که واقعیت دارد، با کمک خارجی به رژیم قابل مقایسه نیست، ما آماده‌ایم به شرطی که ارتش نیز دیگر سلاح و تجهیزات از ایالات متحده دریافت نکند، برای جلوگیری از این حمایت، کنترل را بپذیریم.

۱۴- مذاکرات باید بطور جدی و علنی انجام گیرد و به روی شرکت همه بخشهای خلق باز باشد.

۱۵- مذاکرات برای راه حل سیاسی باید از میانجی‌گری‌ای برخوردار باشد که موضع بی‌طرفانه را حفظ کند و به حقوق برابر طرفین احترام بگذارد. علاوه بر این، گروه کوچکی از شهود که مورد پذیرش طرفین باشند، ضرورت دارد.

حل بحران ملی، کمک به حل بحران منطقه‌ای نیز هست.

اف. ام. ال. ان. از هیچ تلاشی برای دستیابی به توافق ملی فروگذار نمی‌کند و بدین منظور، شرایطش گانه خود را ارائه کرده است. علاوه بر این، ما اخیراً همراه با اف. د. ار برنامه‌ای اساسی مشتعل بر ۱۸ مورد برای کاستن از عواقب اقتصادی و سیاسی جنگ ارائه کرده‌ایم.

تجربه نشان داده است که موجودیت و تقویت اف. ام. ال. ان. - اف. د. ار آن عاملی است که راه حل مسالمت‌آمیز و چشم‌انداز دستیابی به دموکراسی، استقلال و صلح عادلانه و میهنی را امکان‌پذیر می‌کند. ●

## حزب کمونیست اتحاد شوروی خواستار آزادی کوتلو و سارکین شد

را آزاد کند.

۷۲ حزب کمونیست و جنبش رهایی بخش که نمایندگان آنها به عنوان میهمان در کنفرانس حزب کمونیست فرانسه شرکت کرده بودند، در قطعنامه مشترکی به بازداشت کوتلو و سارکین اعتراض کردند. قطعنامه می‌افزاید: "ما انزجار خود را از رفتار غیرانسانی با رهبران کمونیست ابراز می‌داریم... ما خواهان آزادی آنها و همه زندانیان سیاسی در ترکیه و نیز تضمین حق فعالیت آزاد همه احزاب دمکراتیک، از جمله حزب کمونیست هستیم." کوتلو و سارکین طی نامه‌ای اعتراضی به دادستانی، اعلام کردند که در طول ۱۹ روز بازداشت در مقر مرکزی پلیس و بدون تماس با جهان خارج، با شوک الکتریکی، فشار آب و آویزان کردن شکنجه شده‌اند. کوتلو و سارکین پس از ۱۹ روز بازداشت پلیس، در روز شنبه ۵ دسامبر به زندان مرکزی آنکارا انتقال یافتند. وکلای کوتلو و سارکین خاطر نشان کردند پلیس از این رو دو زندانی را بیش از مدت قانونی در بازداشت خود نگاه داشت تا آثار شکنجه از میان برود.

در شماره چهارشنبه ۹ دسامبر روزنامه شوروی پرودا، بیانیه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در مورد دستگیری حیدر کوتلو و نیهات سارکین به چاپ رسیده است. رهبری حزب کمونیست شوروی در این بیانیه خواستار آزادی کوتلو و سارکین، دبیران کل حزب کمونیست ترکیه و حزب کارگر ترکیه شده است. این بیانیه می‌افزاید کمونیست‌های شوروی بنا بر وظیفه انترناسیونالیستی خویش، همبستگی خود را با مبارزه کمونیست‌ها و سایر نیروهای چپ دمکرات برای حق تبلیغ نظر ایشان در شرایط برقراری موازین دمکراتیک عمومی، اعلام می‌دارند.

روزنامه گونز چاپ ترکیه گزارش داد پلیس در آنکارا و از مبر ۲۷ کمونیست را دستگیر کرده است. طبق این گزارش، این دستگیری در رابطه با محاکمه‌ای انجام گرفت که قرار است در دادگاه امنیتی آنکارا بر علیه کوتلو و سارکین آغاز شود. پلیس همچنین در روز دوشنبه ۷ دسامبر وکیل کوتلو و سارکین را برای مدت کوتاهی بازداشت کرده، اما بدنبال اعتراضات گسترده ناچار شد دو روز بعد آنها

## حرکات گسترده کارگری در آلمان فدرال

و آمد رادهمه راه‌های اصلی متوقف کردند.

انحصارات فولاد و زغال سنگ، به علت اینکه دیگر از تولید این محصولات سودهای نجومی عایدشان نمی‌شود، واحدهای تولید فولاد و معادن را یکی پس از دیگری تعطیل و کارگران را بیکار می‌کنند. اتحادیه کارگران صنایع فلز آلمان فدرال، خواهان دولتی شدن صنایع فولاد است.

حرکات اخیر کارگری در آلمان فدرال از اوایل دهه ۶۰ بدین سوبی سابقه بوده است.

در روز پنجشنبه ۱۰ دسامبر، نزدیک به ۱۰۰ هزار کارگر صنایع فولاد و ۱۰۰ هزار معدنچی در آلمان فدرال با شرکت در حرکات گسترده و بی‌سابقه‌ای، نسبت به طرح‌های شرکت‌های بزرگ فولاد، به ویژه کروپ، برای اخراج ۴ هزار کارگر فولاد اعتراض کردند. مرکز اعتراضات، منطقه صنعتی "رور" بود که به صحنه تظاهرات عظیم و اقدامات رزم جویانه‌ای مانند بند آوردن جاده‌ها و خیابانها تبدیل شد. عملاً همه شهرهای بزرگ این منطقه صنعتی از حرکت باز ایستادند. کارگران رفت

## آزادی ۲۴۰ زندانی در افغانستان

ارائه داد. در لویه جرگه خاطر نشان شد هم اکنون در ۱۲ استان افغانستان دیگر نیروهای شوروی حضور ندارند. دکتر نجیب رهبر افغانستان در یک مصاحبه مطبوعاتی علاقه کشورش را به تشکیل یک کنفرانس بین‌المللی با شرکت اتحاد شوروی و ایالات متحده برای بررسی اوضاع پیرامون افغانستان اعلام کرد. وی افزود در صورتی که مداخله خارجی در امور افغانستان پایان یابد و تضمین‌های لازم برای عدم تکرار آن ایجاد شود، امکان ارائه برنامه زمانی جدیدی برای فراخواندن نیروهای شوروی وجود دارد.

در روز یکشنبه ۱۵ آذر، مطابق فرمان عفو، ۲۳۹۴ زندانی در افغانستان آزاد شدند. به دنبال تصویب قانون اساسی جدید افغانستان و انتخاب دکتر نجیب دبیر کل حزب دمکراتیک خلق افغانستان به ریاست جمهوری، نجیب اعلام کرده بود در چهارچوب سیاست آشتی ملی ۵ هزار زندانی آزاد خواهند شد.

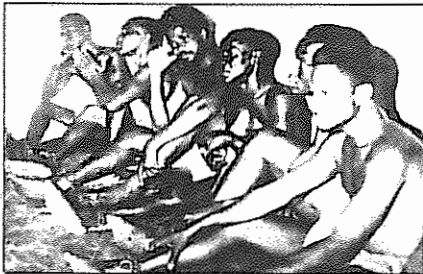
لویه جرگه، عالی‌ترین مجمع تصمیم‌گیری در جمهوری دمکراتیک افغانستان در رابطه با فراخواندن نیروهای شوروی نیز پیشنهاد‌های جدیدی

## اعتصاب سراسری در آرژانتین

سال ۱۹۸۲، این دهمین اعتصاب سراسری در آرژانتین بود. هدف از اعتصاب، اعتراض به سیاست اقتصادی و اجتماعی دولت راول آل‌فونسو رئیس‌جمهور آرژانتین بود. نرخ تورم در آرژانتین ۱۶۵/۸ درصد است. بنابه آمارهای رسمی، کارگران آرژانتینی بطور متوسط ناچار به ۲۰ ساعت اضافه‌کاری در هفته هستند. در حال حاضر در آرژانتین نزدیک به ۲ میلیون بیکار وجود دارد.

آرژانتین در روز سه‌شنبه ۸ دسامبر شاهد اعتصابی سراسری بود که اقتصاد این کشور را متوقف کرد. تقریباً در همه شهرهای بزرگ کشور، کارخانجات، موسسات خدماتی، فروشگاه‌ها و وسایط نقلیه از کار باز ایستادند. دعوت به اعتصاب از سوی کنفدراسیون عمومی کار، اتحادیه سراسری کارگران آرژانتین صورت گرفت بود. از هنگام برکناری حاکمان نظامی آرژانتین در

## اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در آفریقای جنوبی



۱۲ زندانی سیاسی که در جریان موج اخیر اقدامات اعتراضی علیه رژیم آپارتاید توسط پلیس آفریقای جنوبی دستگیر شده‌اند، در زندانی در نزدیکی ژوهانسبورگ دست به اعتصاب غذا زدند. زندانیان سیاسی در آفریقای جنوبی، تحت سخت‌ترین شرایط بسر می‌برند. به پایهای آنها زنجیر می‌زنند، بسیاری از آنها با حکم دادگاه باید بدون آن به قتل می‌رسند؛ همه زندانیان در تمام مراحل، از بازجویی گرفته تا اجرای حکم، به شدت شکنجه می‌شوند. بسیاری از زندانیان به سن قانونی نرسیده‌اند. از دو سال پیش که در آفریقای جنوبی حکومت نظامی اعلام شد، بیش از ۱۰ هزار کودک توسط رژیم آپارتاید بازداشت شده‌اند.

## قتل سه فلسطینی توسط صهیونیست‌ها

ارتش اسرائیل علیرغم مصوبات اخیر مجمع عمومی سازمان ملل متحد، باردیگر دست به سرکوب خشن تظاهرات مردم فلسطین در مناطق اشغالی زد. در روز چهارشنبه ۹ دسامبر، یک دانش‌آموز ۱۷ ساله فلسطینی در نوار غزه هدف گلوله صهیونیست‌ها قرار گرفت و کشته شد. همچنین دو فلسطینی دیگر نیز که از بام ساختمانی در غزه تظاهرات را دنبال می‌کردند، توسط سربازان اسرائیلی به قتل رسیدند. ۲۵ تن از مردم در جریان یورش وحشیانه صهیونیست‌ها مجروح شدند.

## اعتصاب عمومی در هائیتی

در روز دوشنبه ۷ دسامبر، اعتصابی سراسری در هائیتی آغاز شد. اتحادیه‌های کارگری و احزاب اپوزیسیون که مبتکر این اعتصاب هستند، خواهان کناره‌گیری ژنرال نامفی و کل شورای نظامی حاکم شده‌اند، زیرا رژیم نامفی انتخابات ۲۹ نوامبر را به تعویق افکند. اپوزیسیون هائیتی اعلام کرده است نیروهای رژیم عمداً در جلوگیری از اقدامات تروریستی طرفداران دوولیه دیکتاتور سرنگون شده که به لغو انتخابات انجامید، کوتاهی کردند.

رژیم ژنرال نامفی درصدد است هیات بی‌طرف ناظر بر انتخابات را منحل کند. اما این طرح تاکنون به علت مقاومت پنج سازمان از ۹ سازمانی است که قرار است اعضای هیات جدید را تعیین کنند، ناموفق مانده است. کلیسای کاتولیک و پروتستان، شورای دانشگاه، کمیسیون حقوق بشر و اتحادیه روزنامه‌نگاران با این نقشه ژنرال نامفی مخالفت کرده‌اند.

## السالوادور: خصلت و چشم اندازهای انقلاب

### مقاله ای از ماهنامه "السالوادور رپورت"

به کشور بازگشتند. موفقیت انقلابیون السالوادور در تلفیق مبارزه نظامی و سیاسی، نمونه‌ای برجسته در تجارب جنبش انقلابی است.

ماهنامه "السالوادور رپورت" که از سوی نمایندگی جبهه رهایی بخش ملی فزاربوند و مارتی - جبهه دمکراتیک انقلابی (اف. ام. ال. ان. اف. د. ار.) در آلمان فدرال انتشار می‌یابد، در شماره نوامبر ۱۹۸۷ خود مقاله‌ای با عنوان فوق درج کرده است. نظر به اهمیت روندهایی که هم اکنون در این کشور آمریکای مرکزی جریان دارد، ترجمه مقاله را از نظر خوانندگان "اکثریت" می‌کلرانیم.

\* \* \*

می‌افزاید. آغاز قطعی این بحران ساختاری به دهه ۲۰ باز می‌گردد، زمانی که بقیه در صفحه ۹

ائتلاف انقلابی و دمکراتیک در السالوادور، متشکل از جبهه رهایی بخش فزاربوند مارتی و جبهه دمکراتیک انقلابی، با نیرویی فزاینده، به سوی تحقق اهداف استقلال طلبانه، آزادیخواهانه و عدالت جویانه خود پیش می‌رود. این ائتلاف به آنچنان عامل تعیین کننده‌ای تبدیل شده است که حتی رژیم آمریکایی دوارته نیز نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد و ناچار است به مذاکره با آن تن دهد. در هفته‌های گذشته انقلابیون السالوادور به پیروزی‌های سیاسی مهمی دست یافتند. از جمله رهبران جبهه دمکراتیک انقلابی، کیلر موآنکو و روین زومورا، پس از هفت سال تبعید

السالوادور از یک بحران ساختاری دائمی، حاد و بازگشت ناپذیر رنج می‌برد. بحران ادواری، بر دامنه این بحران

## تاکید اتحاد شوروی بر ضرورت اقدام عملی جمهوری اسلامی برای خاتمه جنگ

حل اختلافات با عراق تصمیمی است معقولانه.

صدر هیات رئیسه اتحاد شوروی در ادامه سخنان خود تاکید کرد که ادامه جنگ موقعیتی بغرنج تر از پیش را برای ایران در پی خواهد داشت و هر قدر ایران دیرتر به لزوم قطع جنگ برسد به همان اندازه هم پیامدهای آن ناگوارتر خواهد بود.

گرومیکو ضمن تاکید بر قطع بیدرتنگ جنگ و خروج ناوگانهای نظامی کشورهای غیر ساحلی خلیج به اقدامات سازمان ملل اشاره کرد و گفت: قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد پایه سیاسی مناسبی برای حل عادلانه مسئله درگیری ایران و عراق می‌باشد و اگر این قطعنامه اجرا نشود ممکن است برای تامین اجرای تصمیم‌های شورای امنیت برداشتن گامهای جدیدی مطرح شود و در خود تصمیم شورای امنیت این امر پیش بینی شده است.

مشروح گفتگوهای گرومیکو بانویری روزهای شنبه و دوشنبه هفته گذشته در برنامه نیمروزی بخش فارسی رادیو مسکو بخش شد. در این گزارش با استناد به آمار ارایه شده از سوی منابع غربی اعلام گردید که طی ۷ سال جنگ ایران و عراق یک میلیون و دویست هزار تن کشته شده و خسارات وارده بالغ بر ۵۰۰ میلیارد دلار می‌باشد.

روز ۱۲ آذر (چهارم دسامبر) غیر جمهوری اسلامی ایران در مسکو با آندره گرومیکو صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی دیدار کرد. این دیدار به تقاضای نویری صورت گرفت.

صدر هیات رئیسه اتحاد شوروی در رابطه با جنگ به سفیر جمهوری اسلامی گفت: جبهه خون مردم ایران و عراق در مقیاس وسیعی ریخته می‌شود. شما به عنوان سفیر جمهوری اسلامی و رهبران ایران به طور کلی، تا کنون اظهارات زیادی درباره تمایل خود به قطع جنگ نموده‌اید، ولی این جنگ ادامه دارد. ایران عملاً کار را به خاتمه دادن به جنگ نمی‌کشاند و لذا مسئله اصلی لاینحل مانده است. ما این موضوع را به رهبری ایران می‌گوییم.

آندره گرومیکو در ادامه سخنان خود افزود: اگر ایران عملاً از جنگ دست می‌کشد و به حل مسایل مورد اختلاف با عراق با وسایل سیاسی می‌پرداخت می‌تواند این اقدام را به مثابه شکست ایران تلقی نمی‌کند. حتی برعکس آن، جنبش کاری در جهان، به مثابه نتیجه گیری صحیحی ارزیابی می‌شود. اذعان به این امر جز بدهیهای است و قطع جنگی و موافقت باره حل‌های سیاسی برای

## پرونده «بنیاد نبوت»، در اختیار ساواک قرار گرفت

قرارگیری و بررسی آن در دادگامهای عمومی صورت نگرفت، همانا "اطلاعات" نامبرده از مسائلی است که افتای این اطلاعات دامن بزرگان رژیم را "لکه دار" خواهد ساخت. دادستان عمومی تهران نکات تازه‌ای از موارد تخلفات سید علی موسوی قمی مسئول بنیاد نبوت، فاش ساخت؛ مسئول بنیاد نبوت به خاطر رسیدگی به جرایمی که در صلاحیت دادگامهای انقلاب است. در اختیار وزارت اطلاعات (ساواک) قرار دارد.

سید علی موسوی قمی که از اخاذی و سوء استفاده‌های مالی و پرداخت رشوه و کارچاق کنی تا فساد اخلاقی و فحشا را در برمی‌گیرد، هیچکدام توضیحگر علت اصلی ارجاع پرونده به ساواک نمی‌باشند. آنچه که باعث آن شد که پرونده بنیاد نبوت در اختیار وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی

کلیه‌ها هوایی جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۸ آذرماه متن مصاحبه مطبوعاتی و رادیر و تلویزیونی حجت الاسلام میرعمادی دادستان عمومی تهران را بازتاب داد. دادستان عمومی تهران ضمن اعلام نکات تازه‌ای از موارد تخلفات سید علی موسوی قمی مسئول بنیاد نبوت، فاش ساخت؛

مسئول بنیاد نبوت به خاطر رسیدگی به جرایمی که در صلاحیت دادگامهای انقلاب است. در اختیار وزارت اطلاعات (ساواک) قرار دارد. روزی بر تخلفات ۱۲ گانه سید علی موسوی قمی که از اخاذی و سوء استفاده‌های مالی و پرداخت رشوه و کارچاق کنی تا فساد اخلاقی و فحشا را در برمی‌گیرد، هیچکدام توضیحگر علت اصلی ارجاع پرونده به ساواک نمی‌باشند. آنچه که باعث آن شد که پرونده بنیاد نبوت در اختیار وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

|           |         |              |         |
|-----------|---------|--------------|---------|
| دیگر نقاط | اروپا   | بهای اشتراك  | شش ماهه |
| ۱۶ مارک   | ۱۴ مارک | نشریه «کار»: | یک ساله |
| ۳۰        | ۲۷      |              |         |

|           |         |                 |         |
|-----------|---------|-----------------|---------|
| دیگر نقاط | اروپا   | بهای اشتراك     | سه ماهه |
| ۳۶ مارک   | ۳۳ مارک | نشریه «اکثریت»: | شش ماهه |
| ۷۰        | ۶۴      |                 | یک ساله |
| ۱۳۸       | ۱۲۵     |                 |         |

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

**AKSARIYAT**  
NO. 187  
MONDAY, 14 DEC. 87

آدرس: **Address: Ruzbeh**  
POSTFACH 1810  
5100 AACHEN  
W. GERMANY

حساب بانکی:  
**AUSTRIA - WIEN**  
BAWAG  
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)  
NR. 02910701-650  
DR. GERTRAUD ARTNER

یا جمع آوری کمک مالی  
فدائیان خلق را در انجام  
وظایف انقلابی  
یاری دهید